

## الف) تعریف دین و پیشینه آن در تاریخ دین در لغت و در اصطلاح:

### تعریف دین

دین در لغت به معنای فرمان‌برداری، خضوع، پیروی، اطاعت، تسلیم و جزا<sup>۱</sup> و در اصطلاح مجموعه عقاید و قوانین و مقررات عملی و اخلاقی است که خداوند از طریق پیامبران برای هدایت و سعادت انسان‌ها نازل فرموده است که اعتقاد و عمل به آنها موجب سعادت دنیا و آخرت انسان می‌گردد.<sup>۲</sup> و دارای ابعاد مختلفی نظیر بعد شناختی و آموزهای، اخلاقی، فردی، عبادی، حکومتی، اقتصادی، حقوقی و جزایی، احساسی و روانی و آرمانی است.

از دیدگاه قرآن، دین در نزد خدا اسلام است؛<sup>۳</sup> یعنی تسلیم در برابر خدا بودن، که معنای عامی است که همه شریعت‌های تحریف‌ناشده در هر عصری را دربرمی‌گیرد. با توجه به اینکه قرآن، واژه دین را به صورت مفرد به کار برده است نه جمع، بنابراین، به همین جهت از به کارگیری واژه ادیان خودداری نمودیم. پس دین، حقیقت واحدی است که به صورت شریعت‌های مختلف نظیر شریعت نوح، ابراهیم، موسی و عیسی و ... جلوه‌گر شده است.<sup>۴</sup> از این رو هر کس جز دین اسلام دین دیگری را طلب کند و پیرو آن گردد، هرگز از وی پذیرفته نیست.<sup>۵</sup>

۱. راجع اصطلاحی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۳۳۳ دهخدا لغت‌نامه، ج ۸، ص ۱۱۴۹.

۲. طباطبائی، آموزش عقاید و دستورهای دینی، ج ۱، ص ۱۵.

۳. إِنَّ الدِّينَ عِنْدَ اللَّهِ الْإِسْلَامُ. (الاعمال ۳: ۱۹)

۴. لِكُلِّ دِينٍ دِينُهُ وَكُلُّكُمْ لِدِينِهِ وَنَبِيِّهِ. (مائدة ۴۸: ۳۸)

۵. وَدِّعَ الْيَهُودَ وَنَصَارَى الَّذِينَ اتَّخَذُوا دِينَهُمْ. (الاعمال ۳: ۸۵)

(۱۲)

تجویز می‌کند، دارای هدف مشترک واحدی است. بی‌گمان شرایط و زمان و طبیعت بیمار، چنین مراحمی را اقتضا کرده است. از این روست که قرآن می‌فرماید:

لَا تَجْعَلُوا دِينَكُمْ تِزْوَةً وَتَنَاجَاً<sup>۱</sup>

برای هریک از شما آئینت‌ها را شریعت و راه روشنی قرار داده‌ایم.

همه این شریعت‌ها و روش‌ها، راه‌هایی برای رسیدن به اصول و اهداف کلی هستند که فراخور استعدادهای امت‌ها و مقام انبیا شکل گرفته است. این راه‌ها مکمل هم‌اند، نه ناسازگار. باهم، نخستین راه و روش صحیح را حضرت آدم علیه السلام به فرزندان خود آموخت. خداوند نیز به وسیله نوح علیه السلام اولین شریعت را برای هدایت انسان‌ها نازل فرمود. آخرین و کامل‌ترین شریعت‌ها نیز شریعت پیامبر گرامی اسلام صلی الله علیه و آله و سلم است.

### ب) یهودیت و مسیحیت: پیدایش و سرخوشی آنها

#### پیدایش و فرجام یهودیت

یهودیت عنوان دین حضرت موسی علیه السلام، از پیامبران بزرگ الهی، است. قومی که این دین را از آن خود می‌دانند، قوم اسرائیل است. اسرائیل یکی از نام‌های یعقوب علیه السلام از نوادگان حضرت ابراهیم علیه السلام است. از همین روی، این قوم که بنای بزرگ خود را ابراهیم علیه السلام می‌داند، خود را ابراهیم علیه السلام است. بنی اسرائیل می‌خواند. حضرت یعقوب علیه السلام دوازده پسر داشت که همگی به بنی اسرائیل معروف شدند. عنوان دیگری که برای این قوم به کار رفته، عبرانیان یا قوم عبرانی است. زبان مخصوص این دین، زبان عبری نیز برگرفته از همین نام است. برخی دانشمندان معتقد نام «عبرانی» را کنعانیان پس از ورود حضرت ابراهیم علیه السلام به سرزمین کنعان بر او نهاده و وی را عبرانی خوانده‌اند این نام بعدها جزء القاب او شد و در خاندان وی باقی ماند.

عبرانی از ماده «ع ب ط» به معنای گذر کردن از نهر است؛ بدین اعتبار که حضرت ابراهیم علیه السلام با عبور از رود فرات و در کنعان سده بیست و یکمین سال عمرش را سپری کرد (تاریخ یهودیت ص ۷۲ - سلیمان، مورخین ص ۱۸۵).

### پیشینه دین در تاریخ

با توجه به نیاز انسان به دین و ضرورت الهی بودن آن، همان‌گونه که در مباحث بعد خواهد آمد، می‌توان گفت که تاریخ دین حق - که همان دین اسلام می‌باشد - هم‌زمان با پیدایش انسان بوده است. هنگامی که تنها حضرت آدم و حوا می‌زیستند، حضرت آدم پیامبر الهی بود و پیام‌های الهی بر وی نازل می‌شد. البته دین ایشان بسیار ساده و مشتمل بر کلیاتی چند بوده است؛ از جمله یکپارستگی، باور به معاد و زندگی ابدی، اعتقاد به بعثت پیامبران از سوی خدا برای هدایت بشر و تعدادی از قواعد اخلاقی و احکام عملی.

### فطری بودن دین

دین امری فطری است؛ بدین معنا که دین مجموعه اعتقادات و اعمالی است که فطرت و ساختار وجودی آدمی آن را اقتضا می‌کند و در پرورش استعدادهای آدمی مؤثر است. بی‌شک توحید، نبوت و معاد به عنوان عناصر اصلی دین، اقتضای وجود آدمی است.

معرفت و گرایش به خدا در نهاد آدمی سرشته شده و از آن جایی‌ناپذیر است. میل به جاودانه زیستن و میل به راحتی مطلق که در عالم آخرت میسر است، نیز میلی فطری می‌باشد. این در حالی است که کلیات تعالیم و دستورهای دینی از جمله عبادات و پرستش خداوند و یا فرمان‌هایی برای تنظیم روابط اجتماعی، مطابق با فطرت و ساختار وجود آدمی است و از این روست که هرکس از فطرت خود فاصله نگرفته، با کمال میل به آن گردن می‌زند. بنابراین فطری بودن دین، یعنی مطابق بودن محتوای دین با ساختار وجودی انسان.

### مراقب دین

شریعت‌ها و مذاهب، در طول تاریخ، دارای حقیقت واحدی هستند که همان اسلام (تسلیم بودن در برابر خدا) است. اختلاف آنها نیز برحسب درجات کمال است که در استعدادهای امت‌های گذشته و آینده ریشه دارد. به تعبیری شرایع مختلف مانند سال‌های مختلف یک دوره تحصیلی و یا مانند مراحل درمان یک بیماری است. همه مراحل درمانی که پزشک

می‌خواست فرزندی به او عنایت کند، از این رو نذر کرده بود اگر خدا به او پسری عطا کند، او را خادم و خدمتگزار حرم بیت المقدس گرداند. خداوند نیز دعای او را استجابت کرد ولی به جای پسر، دختری به او عطا کرد که او را مریم نام نهادند. به هنگام تولد مریم، پدرش عمران از دنیا رفته بود. مادر در این اندیشه بود که شاید دختر نتواند همانند پسر خدمتگزار حرم شود، اما سرانجام تصمیم گرفته شد که مریم خدمتگزار حرم گردد. متولیان حرم در تکفل و سرپرستی این فرزند باهم اختلاف داشتند؛ چرا که پدر مریم در بین خادمان، مقامی والا و ارجمند داشت و پیشوای آنان بود و هر یک از خادمان می‌خواستند اقتدار سرپرستی فرزند او را نصیب آنان شود. سرانجام تصمیم گرفتند به قرعه متوسل شوند و بدین ترتیب قرعه به نام زکریا افتاد.

زکریا به‌خوبی از مریم مراقبت می‌کرد، ولی هرگاه به محل عبادت مریم وارد می‌شد، غذای او را آماده می‌دید. وی که از دیدن این منظره به شگفت آمده بود، از مریم پرسید: این غذاها از کجا می‌آید؟ مریم در پاسخ گفت: از جانب خداست و خدا به هرکس که بخواهد، روزی فراوان می‌دهد. بدین ترتیب مریم به تدریج بزرگ و جوان شد و خواب‌وند دل او را با نور معرفت و تقوی نورانی ساخت.

روزی طبق عادت معمول، مریم به نماز و عبادت خدا مشغول بود که اضطراب و نگرانی بی‌سابقه‌ای را احساس کرد. در این حال فرشته‌ای آسمانی به‌صورت مردی پیش‌روی مریم ظاهر شد. مریم با مشاهده مرد به خدا پناه برد. در این حال، مرد ناشناس به مریم رو کرد و گفت: مترس! من فرستاده پروردگار تو هستم و مأموریت دارم پسر پاکیزه‌ای به تو بخشیم. مریم از این خبر شگفت‌زده شد و گفت: چگونه ممکن است من فرزند پسری آورم، درحالی‌که هرگز مردی با من تماس نداشته و من زن بلکرداری نبوده‌ام. فرشته گفت: «تخلایت چنین خواسته و این کار برای او آسان است. خدا می‌خواهد این حادثه، آیت و رحمتی باشد از جانب او برای مردم. تولد این فرزند مورد مشیت و قضای حتمی الهی است.» پس از مدتی مریم احساس بارداری کرد و برای دوری از قوم خود به مکانی دور رفت. هنگامی‌که به آنجا رسید، درد زایمان او را فراگرفت. او به تنه درخت خرماي خشکیدمائی تکیه کرد، درحالی‌که وحشت او را فراگرفته بود؛ تا آنجا که آرزو کرد ای کاش پیش از این حادثه مرده و فراموش شده بودم؛ بار

(۳)

## ۳۰ ■ اندیشه اسلامی ۲ مباحث صهیونیسم و اسرائیل صهیون

نام تبهائی است در اورشلیم که در زمان شکوفایی دولت بنی‌اسرائیل در عصر حضرت داود و حضرت سلیمان مرکز نظامی بوده است. این نام همواره یادآور دوران اقتدار آن قوم است. صهیونیسم عنوان جنبشی است که طرفدار بازگشت یهودیان به فلسطین و ایجاد کشوری ویژه بنی‌اسرائیل در این سرزمین است. بنیانگذار این نهضت در عصر جدید، فردی یهودی به‌نام تئودور هرتزل<sup>۱</sup> (۱۸۵۹ - ۱۸۶۰) است.

در اواخر قرن نوزدهم گروه بزرگی از یهودیان روسیه اخراج شدند. گروهی از آنان در غرب اروپا ساکن شدند و عده‌ای نیز به فلسطین رفتند. با ایجاد نهضت صهیونیسم و تشویق یهودیان برای بازگشت به فلسطین، دولت انگلستان در سال ۱۹۱۷ در اعلامیه‌ای معروف به «بالفور» موافقت خود را مبنی بر تأسیس حکومت مستقل یهودی در منطقه فلسطین اعلام کرد. پس از جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۷ به‌پایانه فشارهایی که نازی‌های آلمان بر یهودیان وارد کرده بودند، سازمان ملل متحد رأی به تقسیم سرزمین فلسطین و ایجاد کشوری یهودی‌نشین داد و در سال ۱۹۴۸ کشور مستقل اسرائیل اعلام موجودیت کرد.

صهیونیست‌ها بی‌توجه به مهمان‌نوازی مسلمانان فلسطین که آنها را با گرمی پذیرفته بودند، با قساوت‌آمیزترین شیوه آن سرزمین را اشغال کردند و پس از چندی بخش‌هایی از کشورهای اسلامی همسایه را نیز غصب و ضمیمه کشور صهیونیستی نمودند. این در حالی است که تورات، یهودیان را از طمع ورزیدن به اموال و املاک همسایه برحذر داشته و کسی که حد همسایه خود را تغییر دهد ملعون دانسته است.<sup>۲</sup>

## پیدایش و فرجام مسیحیت

حضرت عیسی علیه السلام از بزرگترین پیامبران الهی است که دارای کتاب آسمانی و شریعت و معجزات بسیاری بوده است. او از مادری پاک‌دامن و با تقوا به‌نام مریم زاده شد. پدر و مادر مریم، عمران و حنه نیز پاک‌دامن و با فضیلت بودند. مادر مریم زنی نازا بود و همواره از خدا

۱. Theodor Herzl.

۲. کتاب مقدس، سفر خروج، ۱۷/۲۰؛ سفر تثبیه، ۱۷/۲۷؛ توفیق، آشنایی با ادیان بزرگ، ص ۱۰۸.

نخستین بار واژه عهد قدیم، و تورتولیان در سال ۲۰۰ میلادی برای اولین بار واژه عهد جدید را برای این کتاب‌ها به کار بردند.

اما یهودیان معتقدند خدا تنها یک پیمان با انسان بسته که همان پیمان «شریعت» است، براین اساس، آنان تنها بخش عهد قدیم را قبول دارند.<sup>۱</sup> در اینجا به اختصار درباره عهد قدیم و جدید توضیح می‌دهیم.

#### ۱. عهد قدیم

عهد قدیم که تنها بخش مورد اعتقاد یهودیان است، نزدیک به سه چهارم کتاب مقدس را در بر می‌گیرد. این مجموعه که گفته می‌شود طی قرن‌ها و به دست نویسندگان گوناگون نگارش یافته، شامل مطالب متنوعی از قبیل تاریخ، شریعت، حکمت، مناجات، شعر و پیشگویی است. از این مجموعه، از سده‌های قبل از میلاد دو نسخه باقی مانده است: یکی به زبان عبری و دیگری به زبان یونانی.<sup>۲</sup>

معروف است که این مجموعه در اصل به زبان عبری نگاشته شده و بعدها به زبان یونانی ترجمه گشته است. این ترجمه در قرن سوم پیش از میلاد صورت گرفته است و چون مترجمان آن هفتاد نفر از عالمان یهود بودند، این کتاب به نسخه «سبعینه» یا هفتادین معروف است.

این دو نسخه از دو جهت با هم تفاوت دارد: یکی اینکه نسخه سبعینه نسبت به نسخه عبری اضافاتی دارد که این اضافات یا به صورت کتاب‌های مستقلی است که در نسخه عبری وجود ندارد، یا به این صورت که برخی از کتاب‌های موجود در هر دو نسخه، در نسخه سبعینه بخش‌هایی اضافه دارد. تفاوت دیگر این دو نسخه در ترتیب کتاب‌ها و تقسیم‌بندی آنهاست. از آنجا که یهودیان نسخه عبری را قبول دارند، اضافات نسخه سبعینه را جزء کتاب مقدس خود نمی‌شمارند. اما مسیحیان در ابتدا نسخه یونانی را به عنوان بخشی از کتاب مقدس خود

۱. سیلسی، کتاب مقدس، ص ۳۰-۱۹.  
۲. همان، ص ۳۰.

(۴)

بدین ترتیب معروف است و رسالت یکی از پیغمبران اولوالعزم که دارای شریعت و کتاب بوده است<sup>۱</sup>  
بطالعاصم

آشنایی با کتاب مقدس (عهد عتیق و جدید) و دیدگاه قرآن درباره آن  
کتاب مقدس و بخش‌های تشکیل دهنده آن

«کتاب مقدس» عنوان مجموعه‌ای از نوشته‌های کوچک و بزرگ است که مسیحیان همه، و یهودیان نیز بخشی از آن را «کتاب آسمانی» خود می‌دانند. عنوان معروف این مجموعه در زبان انگلیسی و بیشتر زبان‌های اروپایی «بایبل»<sup>۲</sup> و یا کلمه‌های هم خانواده آن است که برگرفته از کلمه یونانی Biblia به معنای «کتاب‌ها» است.<sup>۳</sup>

در زبان‌های فارسی و عربی، عنوان «عهدین» نیز برای این کتاب به کار می‌رود که به اعتقاد مسیحیان، به دو عهد و پیمانی<sup>۴</sup> که خدا با انسان بسته، اشاره دارد: یکی «عهد قدیم» که در آن خدا از انسان پیمان گرفته است که بر شریعت الهی گردن نهد و آن را انجام دهد. این عهد ابتدا با حضرت ابراهیم علیه السلام بسته شد و سپس در زمان حضرت موسی علیه السلام تجدید و تحکیم گردید. با ظهور حضرت عیسی علیه السلام دوران عهد و پیمان مزبور پایان یافت و خداوند عهدی دیگر با انسان بست که این «عهد جدید»<sup>۵</sup> پیمان بر سر محبت خدا و عیسی مسیح علیه السلام است. بنابراین مسیحیان به دو دوره و عصر قائل‌اند: عهد قدیم و عهد جدید.

آنها متناظر با این تقسیم، کتاب‌های مربوط به دوره اول را عهد قدیم و کتاب‌های مربوط به دوره جدید را عهد جدید می‌خوانند و هر دو قسمت را مقدس و معتبر می‌شمارند. بنابراین

این نام‌گذاری مربوط به مسیحیت است و میلتنوس، اسقف ساردس، در سال ۸۰۰ میلادی برای مسیحیان<sup>۶</sup> واژه عهد قدیم و تورتولیان در سال ۲۰۰ میلادی واژه عهد جدید را برای کتاب‌ها قرار دادند.

۱. بطالعاصم، ص ۲۴۶-۲۵۱. جوانی امی، سمر و پائیران در قرآن (تفسیر موضوعی قرآن کریم)، ص ۳۳۳-۹۰.  
۲. همان، ص ۳۰.  
۳. میشل، کلام مسیحی، ص ۳۳.

2. Bible.

4. Testament.

5. Old Testament.

6. New Testament.

پذیرفتند. بنابراین آنان اضافات نسخه یونانی را که لئوکریط (به معنای مخفی و پوینده) خوانده می‌شوند، کتاب‌های قانونی درجه دوم می‌دانند. بعدها پروتستان‌های مسیحی نسخه عبری را پذیرفته، کتاب‌های لئوکریطانی را از کتاب مقدس خود حذف کردند.<sup>۲</sup>

کتاب مقدس یهود به سه بخش تقسیم می‌شود:

۱. شریعت موسی (تورات) با تورات که مشتمل بر پنج دفتر اول کتاب مقدس بوده و به اسفار خمه معروف است (سفر پیدایش، سفر خروج، سفر لاویان، سفر اعداد و سفر تثبیه). یهودیان بنابر سنت، این کتاب را منسوب به موسی (ع) می‌دانند؛ چرا که در پایان این کتاب، وفات حضرت موسی (ع) و عزاداری بنی اسرائیل آمده است. این عقیده نه تنها به دلیل تقد ادبی، بلکه بدین روی که موسی (ع) نمی‌توانسته مرگ خود را از پیش ثبت کند، آشکارا باطل است. ۲. بخشی که به انبیا شهرت دارد و دربرگیرنده کتاب‌های یوشع، داودان، سموئیل، پادشاهان، اشعیا، ارمیا، حزقیال و ده نبی کوچک‌تر است. اعتقاد بر این است که این کتاب‌ها را انبیا و شخصیت‌های دیگر آورده و عزرا و کاتبان، پس از اسارت بابلی تنها آنها را جمع‌آوری و حفظ کرده‌اند.

۳. مکتوبات که شامل مزامیر، ایوب، غزل غزال‌ها، سلیمان، روت، مراثی، جامعه سلیمان، ایستر، دانیال، عزرا، نحمیا و تواریخ ایام است. این مجموعه رسمی نوشتار مقدس، تا روزگار مسیح و پس از آن، یعنی تا نیمه اول قرن دوم میلادی، شکل نهایی خود را باز نیافته بود.<sup>۳</sup>

## ۲. عهد جدید

بخش دوم کتاب مقدس عهد جدید است که تنها مسیحیان آن را قبول دارند و یهودیان آن را معتبر نمی‌دانند. این بخش نیز مشتمل بر کتاب‌ها، رسالات متنوع و نیز مطالب گوناگونی است.

عهد جدید به زبان یونانی نوشته شده است درحالی که حضرت عیسی (ع) و حواریان او به زبان آرامی - لهجه‌ای از زبان عبری - سخن می‌گفتند.

1. Apocrypha.

۲. توماس، کلام مسیحی، ص ۵۳۹، سلیمانی، یهودیت، ص ۱۷۵.

۳. اسمارت، تجربه دینی بشر، ج ۲، ص ۷.

به طور کلی عهد جدید به چهار بخش تقسیم می‌شود:

۱. زندگینامه و سخنان حضرت عیسی (ع): این بخش مشتمل بر چهار انجیل است که گفته می‌شود «متی»<sup>۱</sup> از حواریان حضرت عیسی (ع)، «مرقس»<sup>۲</sup> شاگرد خاص پطرس<sup>۳</sup> حواری، «لوقا»<sup>۴</sup> شاگرد پولس<sup>۵</sup> که پس از حضرت عیسی (ع) ایمان آورد و «یوحنا»<sup>۶</sup> یکی از حواریان که در زمان حضرت عیسی (ع) طفل خردسالی بوده، آنها را نگاشته‌اند. درواقع این چهار کتاب سیره عملی و گفتاری حضرت عیسی (ع) است که افرادی آن را روایت می‌کنند.

سه انجیل نخست، سبکی یکسان دارند و مطالب مندرج در آنها هماهنگ است و با فرهنگ یهودی اختلاف چندانی ندارد. در این سه انجیل، از الوهیت حضرت عیسی (ع) سخنی نیست. انجیل چهارم از نظر مطالب با سه انجیل دیگر متفاوت است و با فرهنگ یهودی نیز سازگاری ندارد و الوهیت حضرت عیسی (ع) در آن مطرح شده است. سه انجیل اول، انجیل «هم‌نوا» یا «هم‌دید» نامیده می‌شوند. اغلب محققان برآن‌اند که قدیمی‌ترین انجیل بیش از سی سال بعد از حضرت عیسی (ع) نگاشته شده است.

جان. بی. ناس دراین باره می‌گوید:

انجیل مرقس قبل از دو انجیل متی و لوقا موجود بود و در حدود ۷۰ تا ۹۵ میلادی نوشته شده است. انجیل یوحنا نیز از همه متأخر است و در آخر قرن اول نگاشته شد و بیشتر به کیفیت موت و حیات عیسی (ع) مربوط می‌شود.<sup>۷</sup>

1. Matia.
2. Marqos.
3. Petros.
4. Polos.
5. Yunanna.

۶. سلیمانی، کتاب مقدس، ص ۳۴ - ۳۳.

۷. ناس، تاریخ جامع ادیان، ص ۵۷۶.

پس از حضرت موسی علیه السلام به دست فرد دیگری نوشته شده باشد.<sup>۱</sup>

۲. همچنین در قرن نوزدهم و به دنبال عصر روشنگری در خصوص کتاب مقدس، جریانی در غرب ظهور کرد که امروزه به «نقد تاریخی کتاب مقدس» معروف است. تحقیقات نظری نشان می‌دهد حضرت موسی علیه السلام موارد و مطالب تورات را به صورت قطعی نهایی نکرده است.<sup>۲</sup> همچنین جریان نقادی کتاب مقدس نشان داد تردیدهایی جدی در باب اعتبار کتاب مقدس وجود دارد. نویسندگهای مسیحی در این باره می‌نویسند:

نقادان به‌طور کلی عقیده دارند که برخلاف نظر سنجی، نویسنده پنج کتاب اول کتاب مقدس، موسی علیه السلام نبوده است، بلکه نویسندگان آن لااقل چهار شخص بوده‌اند. یکی از نتایج این عقیده این است که در کتاب پیدایش، دو نوع مختلف شرح آفرینش وجود دارد. نقادان معتقد بودند که کتاب‌ها، قسمت‌هایی که در آنها درباره وقایع آینده پیشگویی‌هایی وجود دارد، بعد از انجام شدن آن وقایع نوشته شده‌اند ... آنچه مهم‌تر از همه این جزئیات می‌باشد، این موضوع است که درباره هر مطلبی که کتاب مقدس بیان می‌کند، شک و تردید به وجود آمد.<sup>۳</sup>

۴. نیتیان اسمارت، دین‌پژوه مغرب‌زمین درباره نقادی کتاب مقدس می‌گوید: قرن نوزدهم در عین حال که این نهضت‌های متنوع احیا را به بار آورد، باعث شد مسیحیت با بزرگترین بحران نظری تاریخ خود روبرو شود. هرچند کتاب مقدس همواره به‌عنوان حقیقت لفظی مطلق (بدین معنا که عین تعابیر کتاب مقدس، وحی باشد) لحاظ نشده است، قرن‌های متعددی کلاسی وحی‌شده در نظر گرفته شده بود. شاید مردم نسبت به مکانیسمی که به موجب آن نویسندگان متون مقدس وحی و الهام دریافت کرده‌اند، اختلاف‌نظر داشته باشند، ولی عموماً اتفاق نظر داشتند که مجموعه کتاب مقدس وحی خدا را به تفصیل نشان می‌دهد.

۱. سلیمانی، پیوردیت، ص ۱۸۷.

۲. تیس، «دین یهوده در جهان مذهبی»، ج ۲، ص ۴۰۴.

۳. هوردرن، راهنمای الهیات پورتنساف، ص ۳۸.

همچنین او می‌گوید:

پی‌گمان عیسی تعلیم خود را تحریر نکرد، بلکه به شاگردان خود اعتماد فرمود و به آنها امر کرد به اطراف جهان بروند و آنچه آموختند و در حافظه خود به یاد دارند، به دیگران تعلیم دهند، اما شاید برخی اقوال بر آن افزوده شده باشد که به‌سهو و غلط آنها را به عیسی علیه السلام نسبت داده‌اند.<sup>۱</sup>

۲. تبلیغات و مسافرت‌های تبلیغی میلمان مسیحی: در این بخش تنها یک کتاب به‌نام اعمال رسولان وجود دارد که اقدامات حواریان و دیگر مسیحیان، به‌خصوص پولس را بیان می‌دارد. ۳. نامه‌ها: حواریان و رسولان مسیحی صدر اول، نامه‌هایی به شهرها و افراد گوناگون نگاشته‌اند که ۲۱ نامه از آنها در مجموعه عهد جدید وجود دارند.

۴. رؤیا و مکاشفه: در این بخش نیز تنها یک کتاب وجود دارد که به یوحنا منسوب است و در پایان عهد جدید آمده است.<sup>۲</sup>

اعتبار کتاب مقدس از دیدگاه متفکران یهودی و مسیحی

۱. در قرون وسطی نقد دیدگاه سنتی درباره تاریخ نگارش و نویسندگان کتاب مقدس، آغاز شد؛ به گونه‌ای که برخی دانشمندان یهودی برای نخستین بار این دیدگاه را زیر سؤال بردند. یکی از معروف‌ترین کسانی که در گذشته دیدگاه سنتی را به‌ویژه در خصوص اسفار پنج‌گانه تورات نقد کرد، ابراهیم‌بن عزرا (۱۱۶۴ - ۱۰۸۹ م) است. او در کتاب تفسیر خود بر سفر تثبیه، به این موضوع پرداخته است. او که نمی‌توانست باصراحت در این باره سخن بگوید، مطالب خود را رمزآلود آورده است.

وی از درون اسفار پنج‌گانه تورات به موارد خاصی اشاره کرده است که این موارد بیانگر آن است که نویسنده واقعی اسفار پنج‌گانه حضرت موسی علیه السلام نیست، بلکه این کتاب باید قرن‌ها پس از عصر موسی علیه السلام نوشته شده باشد.

۱. همان.

۲. همان، ص ۵۷۵. سلیمانی، کتاب مقدس، ص ۳۴ - سلیمانی، موریت، ص ۱۸۷.

## دیدگاه قرآن در باب کتاب مقدس

قرآن کتاب آسمانی پیامبر گرامی اسلام ﷺ به همان صورت اصلی که بر پیامبر وحی شده، در اختیار ما قرار گرفته است. دلائل زیادی بر عدم تحریف قرآن وجود دارد که در جای خود بدان خواهیم پرداخت. از دیدگاه قرآن، تورات و انجیل دو کتاب آسمانی بوده‌اند که خداوند برای هدایت قوم بنی اسرائیل و دیگران فرود فرستاده است. قرآن در این باره می‌فرماید:

و تورات و انجیل را پیش از آن برای رهنمود مردم فرو فرستاد.<sup>۱</sup>  
ما تورات را که در آن رهنمود و روشنائی بود نازل کردیم.<sup>۲</sup>  
و به او انجیل را عطا کردیم که در آن، هدایت و نوری است.<sup>۳</sup>

اما قرآن کریم در آیاتی دیگر بیان می‌دارد که در تورات و انجیل تحریفاتی راه یافته است:

برخی از آنان که یهودی‌اند، کلمات را از جاهای خود برمی‌گردانند، و با بیچاندین زبان خود و به قصد طعنه زدن در دین اسلام، با در آمیختن عبری به عربی می‌گویند؛ شنیدیم و ناقرمائی کردیم؛ و بشنو [که کاش] ناشنواگرودی، [از روی تمسخر می‌گویند]؛ امّا [اما] را تحمیق کن! تا با زبان خود حقائق را یگر دانند و در آیین خدا، طعنه زنند. ولی اگر آنها [به جای این همه لجابت] می‌گفتند: شنیدیم و اطاعت کردیم، و سخنان ما را بشنو و به مامولت ده [تا حقائق را درک کنیم]، برای آنان بهتر، و با واقعیت سازگارتر بوده، ولی خدا آنان را به علت کفرشان لعنت کرد، در نتیجه جز [اگر وهی] اندک ایمان نمی‌آورند.<sup>۴</sup>

از دیدگاه قرآن، ظهور دین اسلام و نام مبارک حضرت محمد ﷺ در تورات و انجیل بشارت داده شده است. قرآن به صراحت اعلام می‌دارد که اهل کتاب به این موضوع آگاهی داشته و

پیامبر اسلام ﷺ را مانند فرزندان خود می‌شناخته‌اند، اما با این همه، حقیقت را کتمان کردند. **لَمَّا رَیَ رِجُلٌ مِّنْهُمْ کُتُوبَ مَقَرِّیْنِ اَکْثَرُ رُکُوعَاتِهَا لِسَمَوَاتِ مَاسَمَرٌ مِّنْ اِنْسَانِیْنَ اِلَّا**

۱. ال عمران (۳): ۳ و ۴

۲. مائده (۵): ۴۴

۳. مائده (۵): ۴۶

۴. سماء (۳۹): ۳۶

سَمَرٌ لِّیَوْمَیْنِ مَآرِبَ غَزَاةٍ بَآلِیْبَرَدَیْ وَ ۵۰  
سَمَرٌ لِّیَوْمَیْنِ مَآرِبَ غَزَاةٍ بَآلِیْبَرَدَیْ ۱۱۷-۸۴

اما بررسی تفادانه کتاب مقدس شماری از عقاید مورد احترام را زیر سؤال برد و صحت برخی روایادهای مضبوط در متون مقدس را مورد تردید قرار داد و جنبه معجزه‌آمیز تاریخ کتاب مقدس را کاهمیت جلوه داد. این مطالعات روند طولانی را که به موجب آن این نوشته‌ها تألیف و گردآوری شده بود، تا حدودی روشن کرد. همچنین امکان ساخت تصویری صحیح از عیسای تاریخی را زیر سؤال برد. محقق برجسته‌ای چون دیوید اشتراوس (۱۸۷۴ - ۱۸۰۱) توانست استدلال کند که عناصر ماورای طبیعی موجود در انجیل به سبب اساطیری است که در دوره بین مرگ عیسی علیه السلام و قرن دوم بعد از میلاد به وجود آمده است. محققان پیرو مکتب توبینگن - که ف. س. بور (۱۸۶۰ - ۱۷۹۲) تحت تأثیر افکار هگل (۱۸۳۰ - ۱۷۷۰) آن را بنیان نهاد - استدلال کردند که در سنت مسیحی حتی یک رشته پیوسته از حوادث و تحولات وجود ندارد که در گذر تاریخ به شخصیت خود عیسی علیه السلام بازگردد. بخش اعظم ترکیب دین متأخر به پولس نسبت داده می‌شود، نه به مسیح.<sup>۱</sup> همو در جایی دیگر می‌گوید:

نگرش‌های نقادانه به متون مقدس تنها در بخش پروتستان عالم مسیحیت به وجود نیامد، بلکه تأثیر تحقیقات علمی جدید در مورد کتاب مقدس به مذهب کاتولیک روم نیز راه یافت. مشهورترین شخصیت، آلفرد لوبزری (۱۹۴۰ - ۱۸۵۷) به این باور رسید که اگرچه مسیح شعار را وضع نکرده است، ولی هنوز به عنوان بخشی از سنت کاتولیک ارزش محوری دارد.<sup>۲</sup>

۵. از عهد قدیم برمی‌آید که در زمان‌هایی تورات ناپدید شده و بعدها کسانی مدعی یافتن آن شده‌اند.<sup>۳</sup>

بنابراین شواهد بسیاری وجود دارد که کتاب مقدس را نمی‌توان وحی الهی و آموزه‌های حضرت موسی و عیسی علیه السلام دانست.

۱. اسما، تجربه دینی بشر، ج ۲، ص ۲۵۵ - ۲۵۲.

۲. همان، ص ۲۵۷.

۳. بگریه به کتاب مقدس، کتب دوم پادشاهان، ۸/۱۲۳: ۱۲۳، ۴.

یکصد تألیف را به او نسبت داده‌اند. جابر غیر از دستور تهیه برخی مواد و ترکیبات شیمیایی، در باب روش‌های مربوط به مطالعات شیمی نیز نظریات درخوری دارد.<sup>۱</sup>

در قلمرو صنعت: مسلمانان در قلمرو صنعت کارهایی انجام دادند که بعدها به دست غربی‌ها کامل‌تر شد. انواع ساعت‌های آبی نزد مسلمانان رواج داشت، آسیای بادی نیز قرن‌ها پیش از آنکه در اروپا به وجود آید، در ممالک شرق اسلامی معمول بود. همچنین آنان در صنعت چرم‌سازی و مکانیک پیش‌رو بودند.<sup>۲</sup>

در قلمرو ریاضیات: مسلمانان در عرصه ریاضیات نیز پیشرفت‌های چشمگیری داشتند. یکی از معروف‌ترین ریاضی‌دانان مسلمان، خوارزمی (۱۶۱ - ۲۲۶ ق) است که در کتاب *حساب الجبر و المقابله*، راه‌حل‌های هندسی را برای حل معادلات درجه دوم نشان داد که اولین کتاب در باب جبر و مقابله است. او را از مؤسسان علم جبر دانسته‌اند و علم جبر نیز برگرفته از همین کتاب است.

کتاب او که به لاتین نیز ترجمه شده، در قرون وسطا نزد اروپائیان اهمیت بسیاری داشت و تا سال ۱۶۰۲ میلادی مبنای مطالعات ریاضی اروپائیان بود.<sup>۳</sup>

در قلمرو پزشکی: در مدرسه طب دانشگاه پاریس دو تصویر رنگی از دو طبیب مسلمان آویخته شده است یکی محمد رازی (۳۱۳ - ۲۵۱ ق) و دیگری ابن سینا (۳۷۸ - ۳۷۰ ق) است که در پیشرفت علم پزشکی تأثیر بسیاری داشته‌اند. رازی در باب تشخیص آبله و سرخک، سالمای نگاشته که از سال ۱۴۹۸ تا ۱۸۶۶ میلادی چهار بار به زبان انگلیسی چاپ شده است. از جمله کتاب‌های معروف وی *الحاوی* است که بزرگترین و جامع‌ترین و در واقع دائرةالمعارف بزرگ طب است که از همه فروع طب سخن گفته است. این کتاب به زبان لاتین ترجمه شده و به احتمال زیاد تا چند قرن معتبرترین کتاب طب و مهم‌ترین کتاب مرجع این علم بوده است.<sup>۴</sup>

۱. همان، ص ۹۳ دوران، تاریخ تمدن، ج ۴ ص ۳۱۳.

۲. زین‌کوب، کارنامه اسلام، ص ۹۲ نیز بنگرید به: ولایتی، پویایی فرهنگ و تمدن اسلام و ایران، ج ۱.

ص ۱۸۲ - ۹۲.

۳. زین‌کوب، کارنامه اسلام، ص ۶۶.

۴. دوران، تاریخ تمدن، ص ۳۱۶ زین‌کوب، کارنامه اسلام، ص ۵۲.

## ۲. تأثیر اسلام در پیشرفت تمدن اسلامی

مسلمانان در پرتو عمل به آموزه‌های اسلام در زمانی کوتاه توانستند در عرصه‌های مختلف تمدن انسانی به پیشرفت‌های درخور توجهی دست یابند. همچنین در سایه برادری اسلامی، اقوام مختلفی چون عرب، فارس، ترک، هندی، چینی، مغولی و آفریقایی به هم آمیختند و در کنار هم به ساختن تمدنی همت گماشتند که تمدن امروز بشری تا حد زیادی وام‌دار آن است. اینک جلوه‌های گوناگون تمدن اسلامی را نام ببریم:

۱. تشویق اسلام به فراگیری علم و دانش در همه عرصه‌ها عامل مهمی در آشنایی توصیه و تشویق اسلام به فراگیری علم و دانش در همه عرصه‌ها عامل مهمی در آشنایی مسلمانان با فرهنگ و دانش تجربی و انسانی است. قرآن به کرات مردم را به فکر و تدبیر در احوال نظام هستی فرا می‌خواند و به برتری عالمان و درجات آنها اشاره می‌کند؛ به گونه‌ای که پیامبر اسلام ﷺ طلب علم نمودن نیاز جامعه را بر هر مسلمانی واجب شمرده است. از این روست که مسلمانان در زمانی کوتاه در همه عرصه‌های دانش تجربی و انسانی و عقلی، سرآمد و الگویی برای جهانیان شدند که به نمونه‌هایی از آن اشاره می‌کنیم:

در قلمرو صنعت کاغذ: یکی از عوامل مهم پیشرفت علمی و فرهنگی جامعه اسلامی، آشنایی آنها با صنعت کاغذ بود. در زمانی که اروپای غربی نه کاغذ را می‌شناخت و نه کتابت را، در قرن دوم هجری در بغداد و مصر صنعت کاغذسازی وجود داشت و کاغذ با عالی‌ترین کیفیت تولید می‌شد.<sup>۱</sup> این صنعت کم‌کم در سال ۴۹۴ هجری به مراکش و سپس در سال ۵۴۵ هجری به اسپانیا راه یافت.

در قلمرو شیمی: ویل دورانت در کتاب *تاریخ تمدن* می‌گوید:

(شیمی) تقریباً از مبعثات مسلمین است. جابر بن حیان (۱۱۹ - ۸۳ ق) یکی از

شیمی‌دان‌های بزرگ جهان اسلام، پدر علم شیمی لقب گرفته است که مورخان بیش از عید تا یوسف را و لیس را و ابراهیم را.

۱. زین‌کوب، کارنامه اسلام، ص ۳۰.



(۱۰)

الف) ضرورت وحی و پیامبری

۵

نُبوت رِشاهِ بر سرِ جبهه مکه است

مقدمه

(۱) یکی از اصول اساسی دین اسلام (نُبوت) است، نبوت (یا ورثه) این حقیقت است که خداوند حکیم

انسان‌های والا و شایسته‌ای را برای هدایت و سعادت انسان‌ها برانگیخته است تا برنامه‌های

حیات‌بخش و دستورهای سعادت‌آفرین او را که از طریق وحی الهی دریافت کرده‌اند، به

آدمیان ابلاغ نمایند. این برنامه‌ها و دستورها «دین» نامیده می‌شود و حاملان آن نیز

«پیامبران الهی» هستند معمولاً پیامبران برای اثبات حقایق پیام خود به معجزه مستوسل

می‌شوند و معجزه پیامبر اسلام ﷺ خود پیام او، یعنی (قرآن) است، فیض الهی در قالب دین، از

نخستین روزی که انسان شایستگی بهره‌گیری از آن را یافته، از جانب خدا نازل گردیده و تا

عصر پیامبر اسلام ﷺ، آخرین پیام‌آور الهی ادامه داشته است. آئین و برنامه هر پیامبری

نسبت به زمان و امت خود، کامل‌ترین آئین و برنامه بوده است و با استمرار این فیض الهی

است که انسان به کمال و سعادت واقعی خود می‌رسد.

بی‌گمان هر فردی، شایسته مقام پیامبری نیست و تنها کسانی لایق این مقامند که در

طول زندگی، آلوده به گناه نشده و معصوم از گناهانند. پیامبران همچنین در ابلاغ پیام الهی از هر

نوع خطا و اشتباهی ایمن هستند و حتی از هر نوع بیماری و نقص عضوی که موجب تفر و

دوری مردم از گرایش به آنها می‌شود، می‌برایند.

عناصر محوری نبوت از دو چیز تشکیل یافته: یکی وحی الهی و دیگری پیام‌آور این وحی نبوت است.

ص

همچنین لازمه این استدلال آن است که انسان از همان آغاز خلقت به پیامبر نیز دارد تا راه صحیح زندگی را به‌وسیله وحی باز شناسد.

نیبای الهی افزون بر نمایاندن راه صحیح برای تکامل و سعادت انسان‌ها، اهداف مهم فردی و اجتماعی دیگری نیز داشته‌اند که به برخی از آنها اشاره می‌کنیم:

④ حضرت اراکون - معاصر (فروری و اصفیاء کے مابین) - بنامیران ارباب معاصرین (۱۵۴۰-۱۵۵۰) -  
 ① یاداوری قطریات ۲ - دعوت بہ توحید ۳ - آزادی انسان از قید و بند ۴ - میرزا باقر قزوینی

بسیاری از چیزهایی که عقل آنها را درک می‌کند و یا به‌صورت فطری در نهاد انسان هست تا هدایت‌گر انسان به‌سوی کمال و سعادت باشد، برائز اهتمام به مادیات و غلبه گرایش حیوانی بر انسانی و یا برائز تبلیغات سوء، مورد غفلت و فراموشی واقع می‌شوند. اما با یادآوری آن مطالب از سوی انبیاي الهی و بیدار کردن فطرت خفته انسان‌ها، دیگر بار آنها مورد توجه قرار می‌گیرند و در جهت هدایت انسان مؤثر واقع می‌شوند. از این‌روست که خداوند، قرآن و پیامبر را، را تذکر و ذکر و تذكّر دهنده می‌خواند:

می گیرند و در جهت هدایت انسان مؤثر واقع می شوند. از این روست که خداوند، قرآن و پیامبر  
 ۵- انسان را بر این حالت تعالیم الهی و تشریعی و دستورات  
 ۶- بت، و انذار، ۷- عدل، امر صالح و مروتی  
 ۸- ارسال رسل و فقهای اهل حق، امر صالح  
 تذکر انما انت مذکور<sup>۱</sup>

پس تذکر ده که تو تنها تذکر دهنده‌ای،  
وَإِنَّهُ لَنذَكِّرَةٌ ۚ لِلْمُذْقِينَ.<sup>۲</sup>  
در حقیقت [قرآن] تذکری برای پرهیزگران است.

امام علی علیہ السلام در این باره می فرماید:

پس خداوند رسولش را در میان آنان برانگیخت و پیامبرانش را پی در پی، به سوی آنان

[illegible][illegible]

١. غاشية (٨٨) : ٣٦. ٢. حلقه (٩٩) : ٩٨. ٣. مع (البرق) خ١٣٨. ٤. قد ونبئت عصفور البرق ما (٩٨) : ٩٩، وما (٩٨) : ٩٩.

■ أندلسه اسلامی ۲ بیتان عالم، ص ۱۶۱، (در خصوص مذهب ۱۵ عهد - بنامین بنو ساسان)

در قرآن و روایات نیز بر این مسئله تصریح شده که انسان‌ها برای یافتن راه و شناختن مصدح به تعالیم انبیا الهی نیازمندند؛ چنان‌که در آیهای می‌خوانیم:

كَانَ الثَّامِنُ أُمَّةً وَاحِدَةً بَعَثَ اللَّهُ فِيهِمْ رَسُولًا مِّنْ أَنفُسِهِمْ يَتْلُو عَلَيْهِمْ آيَاتِهِ وَهُوَ مُحْسِنٌ ۖ فَذَرَكُوا دِينَهُمْ وَكَلِمَةَ رَبِّهِمْ يَوْمَ ذَلِكَ لَمَّا جَاءَهُمْ قَالُوا إِنَّا كَانُوا أَكْثَرُ فَطَمَسْنَاهُم بِأَنزَالِ الْوَحْيِ ۚ وَأَنزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُحْكِمَ بَيْنَ الَّذِينَ أُرْسِلُوا فِيهِ وَيُعَلِّمَهُمُ الْكَلِمَةَ الَّتِي كَانُوا يُكْذِبُونَ ۚ

مردم آهسته یگانه بودند؛ پس خداوند پیامبران را فرستاد و به‌هم‌دهنده برانگیخت، و با مردم آنان، کاتب [خود] را به حق فرو فرستاد، تا میان مردم در آنچه با هم اختلاف داشتند داوری کند.

واضح است که این اختلاف نظر حاکی از نارسایی فکر و علوم بشری است. از این رو، پیامبران با تعالیم الهی، حقیقت هر موضوع اخلاقی را روشن می‌سازند.

قرآن در آیاتی هدف از ارسال رسولان الهی را آموزش تعالیمی می‌داند که هرگز انسان را نشت شناخت آنها را نداشته است.<sup>۲</sup> همچنین امام رضا علیه السلام فلسفه بعثت پیامبران را ضمن و ابائی چنین بیان می‌نماید:

(۳۴) از آنجا که قوای فکری بشر قادر به درک سود و زیان نیست و خداوند نیز برتر از آن است که خود بر انسان تجلی نماید و با آنان سخن بگوید، ناگزیر رسول خدا بین او و مردم واسطه می شود تا امر و نهی و آداب او را به آنان انتقال دهد و آنان را به سود و زیان خود آگاه سازند زیرا در خلقت آنان چیزی وجود نداشت تا به وسیله آن بتوانند نیازهای خود را شناسند.<sup>۳</sup>

از این روایت به‌نیکی برمی‌آید که چون از یک‌سو فکر و اندیشه بشری برای تشخیص سود زبان انسان کافی نیست و از سوی دیگر هر فردی شایستگی دریافت وحی الهی را ندارد، ناواند پیامبران را برانگیزد، تا تعالیم مورد نیاز برای سعادت و کمال آدمی را از طریق آنان

٥١٣: (٥) ٥١٣:

يَعْلَمُكُمْ مَا لَمْ تَكُونُوا تَعْلَمُونَ. (بقرة ١٥١)

٤٥ : مجلسی، بحار الانوار، ج ١١، ص

امیر مؤمنان علیؑ درباره مداوا کردن امراض روحی توسط پیامبر ﷺ، می فرماید:

پيامبر، طبيعى است [روحانى] كه به وسيله طب و معالجه خودش [براى بهبود مردم] همواره گردش مى كند و مرهم هاى شفا بخش [علوم و معارفش] را آماده كرده و ابرارها را سرخ كرده و نافقه است، هر جا كه لازم باشد، مرهم ها و ابرارهاى داغ كرده را بر روى آن مى نهد.<sup>۱۰</sup>

⑤ یعنی از دستورهای اخلاقی بنا بر اساس (۸ مورد) آن می‌باشد.

بنابراین همان‌گونه که انسان‌ها در حوزه بیماری جسمی، به طبیب نیاز دارند تا آنها را مداوا کند، در حوزه مسایل روحی و روانی و بیماری‌های معنوی نیز به طبیبان معنوی نیاز دارند. سرآمد این طبیبان، انبیا الهی می‌باشند که با رفتار و گفتار شفابخش خود، در پی مداوای رنج‌ها و مشکلات روحی و معنوی بشر هستند.

۸- به کمال، رساندن فضایل اخلاقی

پیاربران می‌باید مردم را به فضایی و کرامت اخلاقی بخوانند و آنها را در این جنبه ارتقا بخشند. می‌توان انجام مناسک دین را نیز در این راستا توجیه نمود. پیامبر اسلام ﷺ می‌فرماید:

أَمَّا بَعْدُ يَا أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ

من برای تکمیل کرامت‌های اخلاقی مبعوث شدم.

برخی دستورهایی اخلاقی پیامبر اسلام عبارت است از: احسان به پدر و مادر، نکستین، بی‌گناهان، نکستین فرزندان به دلیل بیم از تنگدستی، دوی جستن از کارهای زست، حفظ اموال یتیمان، پرهیز از کم‌کاری و کم‌فروشی، (وجدان‌کاری داشتن)، برپایی حق، عدالت و تقوا

١. عجرات الزيتون، جذابة ١٠٧.

٢. مجلسي، بشار الانوار، ج ١٥، ص ٢١٥.

برخی (سورۃ اطلاق) مآھر (رح) بہ مردم عبارتند :

۶۵ ■ استغفار بر پروردگار و نسیئین بکلمه و نسیئین فرمود اول دوم اذکار، ابدان و قلمرو دین و دنیا  
برهیز از سه فرقه و حکم کاری به برای حق و عدالت و تقوی و پاکیزگی و استغفار و نسیئین و برهیز از تهمت  
پاک، برهیز از ظلم، وفای به عهد، شوکت نورزیدن به خدا، راستگویی و برهیز از تهمت

شاید بتوان هدف بعثت انبیا را در این جمله خلاصه نمود: انعام هر آنچه خوبی است و هر چیز از هر آنچه بدی است.

البته اعتقاد به خدا و جهان آخرت، پشوا نه بسیار نیرومندی برای عمل به دستورات اخلاقی است. انسانی که خدا را ناظر بر کردار خود می‌بیند به تجسم یافتن اعمال خود در دنیای دیگر آگاه است، با رغبت بیشتری به وظایف اخلاقی، فردی و اجتماعی، خود عمل می‌نماید.

۵) برخی در لغت و اصطلاح به چه معناست؟  
معنای وحی

۴) در لغت هر نوع ادراک و تفهیم سری و پنهانی را وحی گویند. ۲ اگر «به آهسته سخن گفتن»

نیز وی می گویند (از این روست که گوینده می خواهد به طور پنهانی و سری مخاطب را از مقصود خود آگاه سازد تا دیگری متوجه نگردد.) اما وی در اصطلاح آگاهی ویژه ای است که خداوند آن را در اختیار پیامبران نهاده تا از آن طریق پیام ها و تسلیم خود را به انسان برساند.)

ماهیت و حقیقت این نوع وحی بر ما مجهول و یکی از مصادیق عالم غیب است که باید بدان ایمان آورد.

واژه وحی در قرآن افزون بر وحی به پیامبران در موارد دیگری نیز به کار رفته است؛ نظیر وحی به آسمان‌ها،<sup>۳</sup> وحی به نبوت‌رسل،<sup>۴</sup> وحی به مادر موسی<sup>۵</sup> (الهام و القانات قلبی) و وحی

شیطان‌ها به دوستان خود<sup>۶</sup> (الانائات و وسوسه‌های شیعیانی) درواقع همه این معانی، به دریشه واحدی که بیان گردید، باز می‌گردند. هرگاه مطلق و بدون قرینه بیان شود، مقصود وحی به پیامبران الهی است.

١. بنګرید به: انعام (٦): ١٥٣ - ١٥١: بقره (٢): ١٠: حجرات (٤٩): ١٢.

٣. راجع، صفحہ ٢١، مفردات الفاظ القرآن، ص ٨٨٨.

١٢: (١٤١) ح٣

٢٠١٥: (١٥) .

$$Y := (Y_\lambda)_{\lambda \in \Lambda} \in \mathcal{Y}.$$

5. انما (١٢١).

نوع چهارم اشارت دارند. در همه اینها وحی کننده، خداوند و آنچه پیامبران از طریق وحی دریافت می‌دارند، عین سخنان و دستورهای خداست که بی‌هیچ تغییری توسط آنان در اختیار آدمیان قرار می‌گیرد.

#### تفسیرهای ناروا از وحی

تفسیرهای نادرستی از وحی مطرح است که به پاره‌ای از آنها اشاره می‌کنیم:

۱. برخی، پیامبران را از نوعی دانسته و وحی را نیز محصول تفکر و آرای آنها پنداشته‌اند. ایشان برآن‌اند که انبیا آرا و افکار خود را در قالب تعلیم و حیانی بازگفته‌اند و چنین تئالیمی هرگز با جهان مادی طبیعت ارتباطی ندارد.

یکی از پیش‌فرض‌های این تفسیر، تفکر مادی‌گرایانه نسبت به جهان هستی است. چنین نگرشی که عالم هستی را محدود به عالم ماده می‌داند، برخلاف تفسیر واقع‌گرایانه از هستی می‌باشد. ما حتی در وجود خود، حقیقتی به‌نام روح داریم که هیچ یک از ویژگی‌های اساسی ماده را دارا نیست، از این‌رو، این‌گونه نیست که هستی با ماده مساوی باشد تا براساس آن بخواهیم هر چیزی از جمله وحی را به گونه‌ای مادی تفسیر کنیم. همچنین این نظریه با سخنان پیامبران الهی نیز سازگار نیست؛ زیرا آنان پیوسته اعلام می‌داشتند که آنچه می‌گویند، جز وحی الهی نیست و برای اثبات حقایق سخنان خود به معجزه متوسل می‌شده‌اند. البته حقایق سخنان پیامبر اسلام ﷺ در خود سخن اوست؛ چرا که قرآن معجزه پیامبر ﷺ می‌باشد. بر این اساس، لازمه تفسیر فوق آن است که پیامبران الهی، افرادی دروغگو تلقی شوند که این با مقام ولای آنان که تاریخ از آن خبر داده، در تناقی است.

۲. برخی، وحی انبیا را از سنخ تجربه‌های عرفانی عارفان می‌دانند.<sup>۱</sup> این دیدگاه نیز صحیح نیست؛ چرا که وحی انبیای الهی کاملاً با تجربه عرفانی عرفا تفاوت دارد. در سیر و سلوک عرفانی، ممکن است حقایقی برای عارف کشف شود. چه‌بسا عارف دیگری همان حقایق را به گونه‌ای دیگر و حتی مخالف با یافته‌های عارف اول کشف نماید. گاه حتی ممکن است

۱۴

#### ۵ انواع وحی

وحی به پیامبران به صورت‌های گوناگونی است:

۱. گاه روح قوی پیامبر که مورد توجه خداوند نیز می‌باشد، جلالی برادر عالم رؤفا بسان فخر صادق می‌بیند و دستورهای الهی از این راه، به او می‌رسد؛ چنان‌که حضرت ابراهیم علی‌ه السلام برای ذبح اسماعیل دستورهای خداوند را این‌گونه دریافت نمود<sup>۱</sup> «بی‌گمان خواب پیامبران و اولیای الهی که همواره مورد مراقبت خدا و فرشتگان آسمانی‌اند، با خواب افراد معمولی که عصمتی ندارند، تفاوت دارد.

۲. گاهی دستورهای الهی به روح و قلب پیامبران الهی القا می‌گردد و روح ولای آنان مرکز نزول وحی آسمانی می‌شود.

۳. زمانی ممکن است خدا که در حجاب غیبت است، از طریق «ایجاد صوت» با پیامبر خود سخن بگوید؛ همان‌گونه که به حضرت موسی علی‌ه السلام در کوه طور<sup>۲</sup> وحی شد.

۴. گاه نیز وحی الهی توسط فرشته وحی - که در برابر دیدگان پیامبر به صورت خاصی ظاهر می‌شود - نازل می‌گردد.

قرآن مجید در آیهای به تسامی صورت‌های وحی اشاره می‌کند:

وَمَا كَانَ لِنَبِيٍّ أَنْ يَكُلِمَهُ اللَّهُ إِلَّا وَحْيًا أَوْ مِنْ ذُرَاءِ حِجَابٍ أَوْ يُرْسِلَ رَسُولًا فَيُخَوِّجِي بِأُذُنِهِ مَا يَشَاءُ إِنَّهُ عَلِيُّ حَكِيمٌ<sup>۳</sup>

و هیچ بشری را نرسد که خدا با او سخن گوید جز از راه وحی یا از فراسوی حجابی، یا فرستاده‌ای بفرستد و به آذن او هر چه بخواهد وحی نماید. آری، اوست بلندمرتبه سنجیده‌گر.

در این آیه، «وَحْيًا» به نوع اول و دوم، «مِنْ ذُرَاءِ حِجَابٍ» به نوع سوم و «يُرْسِلَ رَسُولًا» به

۱. صفات (۱۳۷: ۱۰۲).

۲. طه (۲۰: ۱۱).

۳. شوری (۲۱: ۵۱).

۱. سروش، بسط تجربه نبوی، ص ۲۸.

١  
والمخاضات الثلاثة التي بها علق الحامض في وجهه وتبرئ قلبها داره  
٢  
فصل دوم: اختلاف الجاهل

عمل خارق العاده‌ای را خنثی سازد، یا ممکن است چنین عملی مغلوب عمل دیگران واقع شود<sup>۸</sup>؛ اما مورخانی را می‌بینیم که پیامبران الهی انجام می‌دهند، از یک سو قابل تعلیم و تعلم نیست و از سوی دیگر کسی نمی‌تواند آنها را خنثی سازد.

۲. عملی معجزه است که همراه با ادعای نبوت و همچنین مطابق خواسته او باشد.

۳. معجزه باید همراه با دعوت به مقابله یا تحدى باشد؛ يعنى بايد مردم را دعوت کند که مثل آن <sup>(۹)</sup> را بپاؤزند، و اثر آن را خستى سازند که بايد مردم نيز از انجام آن عاجز و ناتوان باشند. بنابر اين امور خارج العاده‌اى که همراه با دعوى نبوت و تحدى نباشد، معجزه ناميده

نمی‌شود و در اصطلاح به آن کرامت می‌گویند.

(۹) کلاس به چه معناست ؟  
برای مطالعه بیشتر

مميزه و قوانین عقلی

آیا معجزات انبیای الهی با قوانین عقلی سازگار است؟ آیا معجزات علت خاصی دارند، یا بدون علت واقع می‌شوند و آن را براساس قوانین عادی طبیعت هستند، یا برخلاف آنها؟

در پاسخ به این سؤال گفت معجزات انبیای الهی برخلاف قوانین عقلی ارجله قانون نیستند، هرچند ممکن است برخلاف قانون عادی و شناخته شده طبیعت باشند.

برای مثال، یکی از محجزرات حضرت موسی علیه السلام تبدیل شدن عصا به مار و اژدها بود. جبرین عادی طبیعت بدان گونه نیست که چوب به مار تبدیل شود و هنگامی که چنین حادثه خارق‌العاده‌ای رخ دهد، شاید برخی بیندازند که این حادثه برخلاف اصل طبیعت، یعنی بدون علت است؛ با آن‌ها هیچ‌گاه در طبیعت مشاهده نکرده‌اند که چوب به مار تبدیل شود.

این باور که معجزه برخلاف اصل علت است، برخاسته از نوعی نگرش جدایی‌گرایانه به طبیعت است که تمام علت‌های پدید آمدن یک حادثه را تنها علت طبیعی و مادی و آن هم علت‌های طبیعی شناخته‌شده می‌دانند؛ درحالی‌که هر حادثه - اعم از معجزه و غیر معجزه - می‌تواند افزون بر علت طبیعی، شناخته‌شده، علت غیرمادی و غیرطبیعی نیز داشته باشد که از

۲ اندیشه اسلامی ■ س.ا

طاهر بن حسن

عارفی، وہمیات و حقائق نادرست را بہ جای حقائق صحیح شہود نماید. در اینجا است کہ

برای تشخیص صحت و سقم یافته‌ها و حقایق عرفانی عارفان، نیازمند معیار و ملاکی هستیم

تا براساس آن، شهودهای صحیح را از ناصحیح بازشناسیم. بنابراین از یک سو تجربه‌های

عرفانی نیازمند معیارند و از دیگر سو اختلافات در بین شهوذهای عارفان بسیار است، اما وحی

انبیای الهی را نمی‌توان از نسخ تجربه عرفانی دانست؛ چرا که وحی انبیای الهی خود معیار

حقیقت است و انبیای الهی هیچ‌گاه در مورد وحی به خطا نمی‌روند و همچنین در مسائل

سلسلہ اختلافی بین انہا نیست.

ضمن اینکه وحی معمولاً ملازم با معجزه است؛ یعنی همه انبیای الهی برای اثبات

حقانیت وحی و دستورهای الهی به معجزه متوسل می شوند، حال آنکه عارفان برای صحت

تجربه‌های عرفانی خود چنین نمی‌کنند.

(۷) ب) معجزه انبیا محدثه در لغت و اصطلاح دینیه و فقهیه است

معناي معجزه  
رضی

۷) واژه «معجزه» برگرفته از واژه عجز به معنای ضعف و ناتوانی است. معجزه اسم فاعل باب

افعال و به معنای ناتوان کننده و به عجز درآورنده است.

اما در اصطلاح به عمل خارق العاده‌ای معجزه گویند که بپایمان الهی برای اثبات ادعای

نبوت خوش انجام می دهند؛ به گونه ای که مردم را به آوردن مثل یا مقابله با آن دعوت

می کنند و از این سوره کم از انجام آن عاجز و ناتوان اند. در قرآن کریم از معجزات پیامبران الهی

بنا و اثره «آیات» یاد شده است.

در توضیح این تعریف باید به توضیح نکاتی بپردازیم:

۱. اموری خارق العاده است که مطابق قوانین عادی و جاری طبیعت نیست. مثلاً بر حسب

قوانین عادی، چوب به اژدها تبدیل نمی شود، اما حضرت موسی علیه السلام به اذن خداوند چنین کرد.

البته برخی انسان‌ها بر اثر ریاضت نفس ممکن است به امور خارق‌العاده‌ای دست‌زنند که انجام

چنین اموری تنها بر اثر تعلیم و تربیت ممکن است۔ همچنین چہ بسا فرد دیگری اثر چنین

کرامت فی ص ۸۰ محفوظات الحارثی لہذا با دعوی نبوت و کرمی بنامہ در حدیث  
کرامت گویند (فی مجمرہ سبست)

پدیده طبیعی، منحصر به علل طبیعی عادی و شناخته شده نیست. از این رو، اگر در پیدایش یک

پدیده، علت عادی را مشاهده نکردیم، نباید گمان کنیم که این پدیده بدون علت است.

بنابراین می توان معجزات پیامبران الهی را به یکی از سه علل اخیر توجه نمود:

۱. ناشی از علل مادی ناشناخته هستند.

۲. نفوس قوی و نیرومند پیامبران موجب پیدایش آنها می گردد.

۳. به دنبال درخواست پیامبران، فرشتگان الهی و یا یک سلسله علل غیبی، معجزات را خلق می کنند.

بنابراین تمام معجزات انبیای الهی علت دارند، اما ممکن است علت آن برای ما شناخته شده نباشد.

۱۹

### ج) عصمت انبیا

یکی دیگر از شرایط نبوت، عصمت انبیای الهی است که در ادامه به آن می پردازیم:

معنای عصمت در لغت و اصطلاح را بدین شرح می آوریم:

(عصمت در لغت به معنای منع کردن و بازداشتن و نگهداری و مصونیت است<sup>۱</sup> و در اصطلاح مصونیتی خاص یا ملکهای نفسانی است که پیامبران را از ارتکاب گناه و اشتباه باز می دارد<sup>۲</sup> یکی از شرایط نبوت است.<sup>۳</sup>)

اقسام عصمت

عصمت انبیا در سه قلمرو قابل بررسی است:

۱. عصمت در مقام دریافت، حفظ و ابلاغ وحی؛

۲. عصمت از مصیبت و گناه؛

۳. عصمت از خطا و اشتباه در امور فردی و اجتماعی.

۱. راجع اصطلاحی، مفردات الفاظ القرآن، ص ۹۶۹، دمع الحاشیه، ج ۱۰، ص ۱۵۹۲۶.

۲. همان.

قلمرو عالم مادی و علوم تجربی بیرون است. به طور کلی علت وقوع یک حادثه می تواند یکی از امور ذیل باشد:

۱. علت طبیعی عادی و متعارف: مثلاً علت طبیعی پیدایش یک مار، تخم گذاری است که پس از مدت زمانی بر اثر یک سلسله فعل و انفعالات، نوزاد مار از تخم سر بر می آورد و به تدریج رشد می کند تا به صورت یک مار بزرگ درآید.

۲. علت طبیعی غیر عادی و ناشناخته: ممکن است برای پیدایش یک پدیده، افزون بر علت شناخته شده، علت ناشناخته دیگری وجود داشته باشد که افراد عادی از آن بی خبرند. اما پیامبران الهی از آنجا که با منبع وحی و علم و قدرت نامتناهی خداوند ارتباط دارند، ممکن است از این طریق با چنین علت هایی آشنا شده باشند. برای نمونه، تا پیش از کشف انرژی هسته ای، افراد عادی و حتی دانشمندان می بیناشتند دستیابی به انرژی به روش های شناخته شده تولید انرژی منحصر است؛ حال آنکه آگاه نبودند چه انرژی عظیمی در هسته اتم نهفته است.

۳. تأثیر نفوس و ارواح: ممکن است پیدایش برخی از پدیده ها، معلول تأثیر نفوس و ارواح قوی پیامبران باشد. امروزه در برخی نقاط جهان، مریضانی هستند که بر اثر ریاضت نفس، کارهای عجیبی انجام می دهند که از حیطه توانایی افراد عادی بیرون است. انجام این اعمال تنها از طریق تأثیر نیروی مرموز روح آنها قابل توجه است.

بنابراین آیا نمی توان گفت که پیامبران الهی بر اثر توجه و عنایت بی پایان قدرت الهی می توانند با نفوس قوی خود به یک سلسله امور خارق العاده دست بزنند که از حیطه قدرت نوع بشر بیرون است؟

۴. علل غیر مادی: ممکن است پیدایش پدیده ای، معلول علت های غیر مادی مانند فرشتگان الهی باشد. یعنی فرشته های الهی از طرف خداوند مأمور به انجام عملی به شیوه ای غیر متعارف شوند، یا پس از درخواست پیامبر، به امر خداوند چنین کارهایی را انجام دهند. قرآن از فرشته های الهی به «فائزات آبراه» یاد کرده است.

یک پدیده طبیعی می تواند در پرتو هر یک از این علل چهارگانه به وجود آید و هرگز علت یک

اگر پادشاهی من از این جهان می‌بود، خُتام من جنگ می‌کردند تا به یهود تسلیم بشوم،  
لکن اکنون پادشاهی من از این جهان نیست.<sup>۲</sup>

نبود قوانین اجتماعی و حکومتی

طبیعی است هنگامی که در مسیحیت برای تدبیر و ساماندهی زندگی اجتماعی قوانین دینی نباشد، به ناگزیر باید از قوانین عقلی مدد گرفت.

در کتاب مقدس تحریف یافته مسیحیان، آموزه‌هایی وجود داشت که با عقل و دانش تجربی

٢. کتاب مقدس، یوحنا، ١٩/ ٣٤.

تجربہ دینی بشر، ج ۲، ص ۹۹.

Dec

یافته بود. راه را برای ~~سکولایسم~~ <sup>سکولاریسم</sup> هموار ساخت که برخی از آنها بدین قرار است: (۱) رفاه، آزادی، حقوق، صلح، رفاه قوی و رفاه برای همه (۲) جدایی دین از سیاست

به خدا»

این عبارت بدین معناست که جز به دادن کارِ دنیوی، شَأْن و مقامِ قیصر است و به خدا ارتباطی ندارد، یا به تعبیر دیگر، شَأْن و مقامِ حکومت از شئون بشری و دنیوی است و نه از شئون الهی و دینی. براساس چنین تفسیری، جدایی دین و امور خدایی از سیاست و حکومت، آموزای دینی است.

۲. فرسیان، یکی از فرقه‌های کلامی و نیز یک حرکت اجتماعی و حزب سیاسی به‌بودی هستند که اعتقاد دارند که تمامی

پیر خوردار بودند۔

۳. کتاب مقدس، متی، ۲۲/۱۲ - ۱۸: مرقس، ۱۵/۱۲.

قرآن با تغفل و خردورزی مخالف نیست و در برخی موارد، تدبیر و برنامه‌ریزی زندگی را نیز به عهده عقل نهاده است. بنابراین وحی الهی به کمک عقل می‌تواند سعادت انسان را در دنیا و آخرت تأمین نماید. **مباحث سکولاریسم عبارتند از: علم، کرامت و عقل گرایی.**

### ۲. سکولاریسم<sup>۱</sup>

امروزه در جوامع غربی، تفکری وجود دارد که می‌کوشد بدون استعانت از دین به ساماندهی زندگی دنیوی انسان‌ها بپردازد. معتقدان به این نگرش، تأثیر دین را تنها در جنبه شخصی و خصوصی زندگی انسان محدود کرده‌اند. اینک جای این پرسش است که آیا چنین تفکری می‌تواند بر مبانی صحیحی استوار باشد؟ برای پاسخ به این پرسش ابتدا به اختصار به تعریف سکولاریسم و زمینه‌ها و عوامل شکل‌گیری و سپس به مبانی آن اشاره می‌کنیم و در انتها به نقد و بررسی آن خواهیم پرداخت.

### معنا و لغوی و هم‌معانی سکولاریسم را ببینید.

تعریف سکولاریسم

**سکولاریسم** در اصل مفهومی غربی است که توصیفگر نوعی تفکر خاص در باب جهان و انسان و تدبیر جامعه است که در شرایط خاص جامعه غربی رخ نموده است. این واژه در زبان فارسی به معنای دنیامداری، دنیاجوئی، دین‌گریزی و دین‌چایی است.

در معنای اصطلاحی، بریان ویلسون در **دائرةالمعارف دین**، سکولاریسم را چنین تعریف می‌کند:

(سکولاریسم یک ایدئولوژی است که منافقان آن آگاهانه همه امور و مفاهیم ماورای طبیعی و وسایط و کارکردهای مربوط به آن را نفی می‌نمایند و از اصول غیردینی یا ضددینی به عنوان مبانی اخلاق شخصی و سازمان اجتماعی دفاع می‌کنند.)<sup>۲</sup>

به تعبیری دیگر، قائلان به سکولاریسم می‌کوشند زندگی انسان را از طریق ابزارهای مادی و عقلانی (عقل و علم) اداره کنند. **سکولاریسم از یک سو، دین را نفی می‌کند و از سوی دیگر، دین را به عنوان یک ابزار برای رسیدن به اهداف دنیوی می‌بیند.**

Secularism, ۱۱۷

و علم را از دین جدا می‌کند

صحیح<sup>۱</sup> می‌داند. بی‌گمان بدون تشکیل حکومت تحقق چنین اهدافی میسر نیست و حاکم اسلامی نیز وظیفه دارد بستر اجرای احکام الهی را در جامعه مهیا نماید تا جامعه براساس عمل به آن احکام الهی، به سعادت رسد.)

۲. برخی برآن‌اند که چون دین اسلام و اصول و احکام آن جاودانه و برای همه عصرهاست، طبیعتاً باید اصول آن ثابت باشد، درحالی‌که کیفیت زندگی انسان متغیر است. اگر بگوئیم دین افزون بر سعادت اخروی انسان، سعادت دنیوی وی را نیز مورد توجه قرار داده، چگونه اصول ثابت می‌تواند با زندگی متغیر انسان‌ها سازگار باشد؟ بنابراین به‌ناگزیر باید گفت دین برای سعادت اخروی انسان‌ها آمده است، نه تدبیر زندگی دنیوی آنها.

در پاسخ به این شبهه باید گفت: اول اینکه زندگی اخروی انسان از زندگی دنیوی او جدا نیست. به سخن دیگر، دنیا مزرعه آخرت است و زندگی در آخرت، تابع و بازتابی از زندگی این جهانی است. دوم اینکه تحقق بسیاری از احکام و قوانین الهی، مستی‌بر تشکیل حکومت و تدبیر زندگی دنیوی توسط متولیان دین است. بنابراین چگونه می‌توان به قرآن اعتقاد داشت و بسیاری از احکام را بی‌فایده و عبث دانست؟ درواقع اعتقاد به احکام ملازم با تدبیر زندگی این جهانی است.

همچنین قرآن و روایات در بسیاری از موارد حکم کلی ثابت را بیان می‌دارند که می‌توان حکم هر مسئله جزئی را با توجه به آن کلیات ثابت، آشکار نمود؛ درست مانند علوم ریاضی که اصول آن ثابت است، ولی هر مسئله‌ای را می‌توان با توجه به آن اصول ثابت حل کرد. نیز می‌توان گفت برخی از نیازهای آدمی نیز ثابت است، اما شکل و مصداق آن تغییر می‌کند. برای نمونه، قرآن می‌فرماید: «توان دفاعی خود را در برابر دشمنان بالا ببرید»<sup>۲</sup>. این حکم و قاعده ثابت است، ولی مصداق آن در زمان‌های مختلف متفاوت می‌باشد: در یک زمان مصداق آن دفاعی، اسب و شمشیر بوده، اما اکنون هواپیما و موشک و تانک و جز اینهاست. بنابراین تدبیر زندگی دنیوی انسان با اصول ثابت و جاودانه اسلام منافاتی ندارد.

۱. کما أرسنا فیکم ویرثکم بکم یومئذ یقلل عذابکم آیاتنا و یرحمکم و یقللکم العذاب و یخففکم ما تم یتکرموا

تکلمون (نوره ۱۲) (۱۵۱)

۲. و ایدوا انکم ما استغفتم من قوه و من ربنا یغفر لکم ذنوبکم و یخففکم العذاب و یخففکم ما تم یتکرموا (نوره ۱۲) (۱۵۱)



## لیبرالیسم<sup>۱۲</sup>

۹۳ ■ فصل دوم: اهداف، ابعاد و قلمرو دین

مقام نظام فلسفی، به نظامی بسته از تفکر با اصول ثابت و تغییرناپذیر تبدیل نمی‌شود.<sup>۱</sup>

لیبرالیسم را می‌توان به‌طور دقیق نگرشی به زندگی و مسائل آن وصف کرد که بر ارزش‌هایی همچون آزادی برای افراد اقلیت‌ها و ملت‌ها تأکید دارد)

### زمینه‌های شکل‌گیری لیبرالیسم

برخی سقراط (۳۹۰ - ۴۷۰ ق م) و ارازم رو که به آزادی تحقیق و بیان اعتقاد داشت و همچنین پیترا بلارد (۱۱۴۲ - ۱۰۷۹ م) متکلم قرون وسطی و راکه از پذیرفتن بی‌چون‌وچرای امریت آبا‌ی کلیسا سر باز زد و بر عقل تأکید بسیار می‌کرد، از لیبرال‌های برجسته دوران باستان و قرون وسطی می‌دانند اما چنان‌که گفتیم، لیبرالیسم زائیده تمدن بعد از رنسانس غرب است. شماری از پیشگامان لیبرالیسم در طلوع عصر جدید به صحنه آمدند که برجسته‌ترین آنها دزیدریوس اراسموس هلندی (۱۵۳۶ - ۱۴۶۵)، رنه دکارت فرانسوی (۱۵۹۶ - ۱۶۵۰) و جان مילتون انگلیسی (۱۶۰۸ - ۱۶۷۴) و ایمانوئل کانت آلمانی (۱۸۰۴ - ۱۷۲۴) می‌باشند.

اراسموس، انسان‌گرایی مسیحی و برجسته دوره رنسانس معتقد بود که آرمان‌های انسان‌گرایی، این امکان را دارند که در درون ایمان مسیحی جایی یابند. دکارت در کتاب‌گفتار در روش، با بیانی ساده و روشن و در عین حال جسورانه مدعی حاکمیت عقل در امور انسانی شد. از نظر دکارت، عقل یگانه روش کشف حقیقت است. میلتون نیز منادی آزادی بود و کانت برای انسان به‌عنوان یک فرد ارزشی ذاتی قائل شد.<sup>۲</sup>

افکار این متفکران در واقع زمینه ظهور لیبرالیسم در غرب را فراهم نمود. البته اندیشمندان دیگری نیز در شکل‌گیری لیبرالیسم نقش داشتند که برای نمونه می‌توان به جان لاک انگلیسی، جان استوارت میل و ژان ژاک روسو اشاره نمود.

### مبانی و ارزش‌های لیبرالیسم

لیبرالیسم، نوعی ایدئولوژی است که در کشورهای مختلف، صورت‌های گوناگونی به خود

۱. هیود درآدمی بر ایدئولوژی‌های سیاسی، ص ۴۵؛ شاپورو لیبرالیسم معاصر تاریخ آن، ص ۱۲.

۲. همان، ص ۱۱.

۳. محمد رضایی، تبیین و نقد فلسفه اخلاقی کانت، ص ۱۲۵.

در این آیه منظور از کتاب و حکمت، مرجعیت علمی و دینی است و مقصود از فرمانروایی بزرگ نیز مرجعیت سیاسی است که خداوند به فرزندان حضرت ابراهیم علیهم‌السلام عطا کرده است. اجرای احکام اسلامی نیز نیازمند تشکیل حکومت است. اعتقاد به حکومت جهانی حضرت ولی عصر (عج) نیز بیانگر آن است که دخالت دین در عرصه مسائل اجتماعی و حکومتی، آموزه‌ای دینی است.<sup>۱</sup> بنابراین دین با تدبیر زندگی دنیایی مردم هم‌سو است و سکولاریسم نیز با تعالیم قرآن ناسازگار است.


۱۹

۳. لیبرالیسم

امروزه جوامع غربی می‌کوشند از تفکری به‌نام لیبرالیسم دفاع کنند و آن را سرلوحه زندگی خود قرار دهند. اما لیبرالیسم چیست و آیا می‌توان زندگی انسان را براساس ارزش‌ها و مبانی آن تدبیر نمود؟ برای پاسخ به این پرسش، به‌اختصار به بحث در باب لیبرالیسم می‌پردازیم:

### معنای لغوی و اصطلاحی لیبرالیسم را بیان کنید. توضیح دهید.

لیبرالیسم<sup>۲</sup> به معنای آزادی‌خواهی و آزادمنشی است که از واژه لیبرال به‌معنای آزادی‌خواه برگرفته شده است. لیبرال طردی است که به آزادی و اختیار و قدرت انتخاب انسان‌ها اعتقاد دارد و از آنجا که افراد گوناگون در برهه‌های زمانی متفاوت از آزادی، معنای مختلفی قصد کرده‌اند، لیبرالیسم چندمعنا و مبهم شده است.<sup>۳</sup>

لیبرالیسم پدیده و ایدئولوژی غرب صنعتی است؛ به‌گونه‌ای که نمی‌توان آن را از تمدن غرب متمایز کرد. این اصطلاح در اصل اسپانیولی است و از نام حزبی سیاسی برآمده است که در اوایل قرن نوزدهم از استقرار حکومت مشروطه در اسپانیا طرفداری می‌کرد. بعدها اصطلاح لیبرال در کشورهای اروپایی دیگر نیز رایج شد و برای نام‌گذاری حکومت، حزب، سیاست، یا عقیده‌ای به کار رفت که طرفدار آزادی و مخالف دیکتاتوری و خودکامگی بود. 

۱. این مسئله را در بحث ضرورت تشکیل حکومت در عصر غیبت به تفصیل می‌خواهیم گرفت.

2. Liberalism.

3. Cranston, "Liberalism", in: *Encyclopedia of Philosophy*, ed. Paul Edwards, Vol. 4, p. 458.

عوامل مؤثر در جاودانگی شریعت اسلام بشمار میرود. عالمان دین با استفاده از قرآن، روایات، اجماع و عقل، در پرتو اجتهاد زنده، پویا و مستمر، حکم مسائل و حوادث جدید را استنباط می‌کنند.

۴. پیروی از قواعد حاکمه فقهی: در شریعت اسلام یک سلسله قواعدی نظیر «نقی حرج» و «نقی ضرر»<sup>۳</sup> وجود دارد که عالمان اسلامی بسیاری از گره‌ها را به کارگیری آنها می‌گشایند.

فقه‌ها این قواعد را «قواعد حاکمه» نامیده‌اند؛ یعنی قواعدی که بر تمامی احکام و مقررات اسلامی چیره‌اند و بر همه آنها حکومت می‌کنند. بر پایه این قواعد، هر حکمی از احکام اسلامی که مستلزم حرج و مشقت و ضرر و زیان باشد، برداشته می‌شود. البته تشخیص معادق آن بر عهده عالمان دین است. بر این اساس می‌توان گفت پیروان مکتبی که از این قاعده‌ها بهره می‌گیرند هیچ‌گاه در زندگی به بن‌بست نمی‌رسند.

از آنچه بیان شد به‌خوبی برمی‌آید که شریعت اسلام جاودانه است و تا ابد می‌تواند پاسخگوی نیازهای دینی آدمیان باشد.

#### کثرت‌گرایی دینی و گوه‌ر مشترک

در بحث‌های گذشته دیدگاه اسلام را در باب مذاهب و شریعت‌های مختلف بیان نمودیم. امروزه تسنن و توحیه تکثر و تنوع ادیان یکی از مسائل مهم در عرصه فاسقه دین و دین‌پرورگی است. در این باره پرسش اساسی این است که آیا مذاهب و شریعت‌های مختلف از حقیقت و نجات‌بخشی یکسانی برخوردارند؟ به تعبیری دیگر، آیا همه آنها حق و عمل بدانها موجب رستگاری و دستیابی به بهشت جاودان است، یا اینکه یکی از آنها حق و بقیه آمیزهای از حق و باطل‌اند و با آنکه عمل به تعالیم یکی از ادیان موجب رستگاری در آخرت می‌شود و رستگاری پیروان دیگر ادیان بسته به شرایطی است؟

دیدگاه‌هایی را که برای پاسخ به این پرسش شکل گرفته‌اند می‌توان به سه دسته بخش‌بندی کرد:

۱. حج (۲۲): ۷۸.
۲. کلینی، کافی، ج ۵، ص ۳۹۲.

براساس این آیه، گرایش انسان به دین، مقتضای فطرت آدمی است و این فطرت نیز تغییر‌پذیر نیست و همچنین خود دین نیز مطابق با فطرت اوست.

ممکن است پرسیده شود از آنجا که جامعه انسانی روز به روز در حال پیشرفت و گسترش است و انسان‌ها همواره با مسائل تازه روبه‌رو می‌گردند و با توجه به محدودیت وثبات قوانین اسلامی چگونه می‌توان حکم همه این مسائل را تعیین نمود؟

در پاسخ باید گفت منابع احکام اسلامی آن‌چنان غنی و گسترده است که حکم هر مسئله‌ای را می‌توان با توجه به این منابع تعیین نمود؛ درست همانند مسائل ریاضی که ریاضی‌دانان می‌توانند هر مسئله را با توجه به اصول اساسی ریاضیات حل کنند.

عالمان اسلام افزون بر منابع غنی و سرشار دینی، ابزارهای دیگری نیز در اختیار دارند که می‌توانند با بهره‌گیری از آنها حکم هر مسئله‌ای را مشخص نمایند این ابزارها عبارتند از:

۱. حجیت حکم عقل: اسلام با اعتباربخشی به احکام صحیح عقلی توانسته است حکم برخی از مسائل را تعیین کند. در روایات اسلامی، حجیت عقل هم‌طراز با حجیت قرآن و روایات قرار گرفته است. از این رو، عقل یکی از منابع فقه اسلامی است که به مدد آن می‌توان حکم پاره‌ای از مسائل را تعیین نمود.

۲. قاعده اعم و مهم: از آنجا که احکام اسلامی، تابع مصالح و مفاسد است و از سویی مصلحت و مفاسد چیزها نیز یکسان و مساوی نیست، عالمان اسلامی در برخی موارد باید مصالح و مفاسد را با هم بسنجند و مصلحت کم‌اهمیت‌تر را فدای مصلحت مهم‌تر نمایند. این همان قاعده اعم و مهم است که به کمک آن بسیاری از مشکلات فرآوری عالمان اسلامی حل می‌شود. مثلاً از یک‌سو، در روزگار ما تشریع جسد برای پیشرفت علم پزشکی ضروری شناخته شده است و از سوی دیگر در اسلام جسد و بدن میت مسلمان از احترام خاصی برخوردار است. بنابراین هر دو امر مصلحت است، ولی باید دید کدام مصلحت مهم‌تر است. آیا پیشرفت و تحقیقات پزشکی که موجب سلامتی هزاران فرد می‌شود، مهم‌تر است یا احترام به بدن میت؟

۳. گشوده بودن باب اجتهاد: این مورد که از افتخارات و امتیازات مذهب تشیع است، خود از

۴- پیروی از قواعد حاکمه فقهی

### برای پژوهش

۱. در سال‌های اخیر در جوامع غربی، گرایش به دین و معنویت، نسبت به گذشته بیشتر شده است. دلایل آن را بررسی کنید.

۲. جوامع غرب با اینکه در حوزه علوم تجربی و تمدن مادی، پیشرفت‌های چشمگیری داشته‌اند اما در حوزه فضایل اخلاقی، استحکام کانون خانواده، غلبه بر اضطراب‌ها و احساس یأس و نومیدی و خودکشی‌ها، با مشکلات بسیاری روبه‌رویند. دلایل آن را مورد بررسی و تحلیل قرار دهید.

۳. چرا امروزه برخی از نظام‌های حکومتی با اینکه به نقش دین در رشد فضایل اخلاقی و عفت عمومی جامعه و کاهش جرایم اجتماعی اعتراف دارند، با مظاهر دینداری مخالفت می‌ورزند؟

۴. به چه دلایلی اسلام با سکولاریسم مخالف است؟

۵. دیدگاه اسلام در باب آزادی انسان‌ها و رابطه آن با امر به معروف و نهی از منکر را مورد بحث قرار دهید.

۶. معجزه پیامبران با عمل مرناضان چه تفاوت‌هایی دارد؟  
۷. تفاوت وحی با تجربه‌های دینی را مورد بررسی قرار دهید.

۸. چرا انسان‌ها در همه زمان‌ها به تعالیم انبیای الهی نیاز دارند؟

۹. عصمت پیامبران اکسای است، یا خدا دادی؟ در این باره تحقیق کنید.

۱۰. چگونه دین می‌تواند آدمی را از پوچ‌گرایی و بی‌هدفی در زندگی نجات دهد؟

۱۱. نظریات دیگر را در باب علم دینی مورد بررسی قرار داده و سپس مشابهت‌ها و تفاوت‌های آنها را با نظریه مختار بیان نمایید.

### منابعی برای مطالعه بیشتر

۱. امام خمینی، سید روح‌الله، نهی از دیدگاه امام خمینی، تهران، مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی، ۱۳۸۰.

در صورت رعایت چه اصولی علم دینی محقق می‌گردد؟  
۱- مبانی فلسفی تجربه‌گرایی علمی و دینی  
۲- اندیشه اسلامی  
۳- مروری بر روش‌های علمی دینی  
۴- مروری بر روش‌های علمی دینی

۱۳۳ ■ علم که همان کشف رابطه دو پدیده قابل مشاهده است، با دیدگاه الهی ناسازگاری ندارد. به تعبیری این نظر نادرست است که «امروز دوران علم است و باید از مرحله ربانی دست کشید» باید اصلاح شود. علت الهی در طول علت‌های مادی است، نه در عرض آنها.

۴. قول که یکی از حوزه‌های فعالیت آن، علوم تجربی و انسانی است، با دین ناسازگار نیست؛ بلکه مورد توجه و اهتمام دین اسلام و از منابع آن است.

۵. عالم مادی از سر بخت و اتفاق و بدون هدف آفریده نشده است؛ بلکه مخلوق الهی است که بر اساس قوانین و نظم خاصی هدایت می‌شوند و کشف این قوانین در حقیقت کشف سنت‌های غیر متغیر الهی است.

۶. علم تعلیم الهی است که خداوند به بندگان خود افزوده می‌فرماید.

۷. دانشمندان می‌دانند تنها به مرتبه نازل علم دسترسی پیدا می‌کنند و مراتب برتر علم تنها در سایه ایمان به خدا و تقوای الهی ممکن است.

۸. موزه‌ها و اعتقادات دینی می‌توانند ما را در کشف و ارائه بهتر نظریات علمی یاری دهند.

۹. تلاش برای کشف و اعلام قوانین عالم تکوین، همانند کشف و اعلام قوانین کتاب تشریح، مورد رضایت خداوند است.

۱۰. فهمین هدف و سمت و سوی علم باید به دست صالحان و متدیان صورت گیرد. اهداف علم باید دینی و در جهت رفیع نیازهای واقعی انسان باشد. نه اینکه هدف‌گذاری علم به دست استعمارگران، قدرت‌طلبان، لذت‌طلبان و افراد فاسد صورت گیرد.

اگر تولید علم و ارائه نظریات علمی همراه با اصول ده گانه فوق صورت گیرد، می‌توان گفت آن علوم دینی هستند. بنابراین تصور علم دینی ممکن است. همچنین اگر اصول ده گانه فوق بر فعالیت دانشمندان علوم تجربی و انسانی حاکم گردند. وضعیت جهان بسیار بهتر از وضعیت کنونی خواهد شد. به امید آن روز.



دور. اصحاب قرآن از نظر معارف الهی  
قرآن دارای معارف و علمی است که از جهت گستردگی و ژرفا، همواره از آغاز نزول تاکنون  
روشنی بخشی افکار و اندیشه‌های متفکران بوده است.

وَمَا كُنْتُمْ تَتْلُوا مِنْ قَبْلِهِ مِنْ كِتَابٍ وَلَا تَخُطُّهُمْ بَيْعِيكَ إِذَا أَقْرَبْتُمْ  
الْأَرْبَابَ الْمُبِيلُونَ<sup>۱</sup>  
و تو هیچ کتابی را پیش از این نمی خواندی و با دست خود [کتابی] نمی نوشتی، و  
گرنه باطل اندیشان قطعاً به شک می افتادند.

پیامبر ﷺ این آیات را در برابر اقوام و حوشاوندان خود و مردمی که او را کاملاً می‌شناختند، تلاوت نمود و هیچ‌کس سخن را و تکذیب نکرد. سکوت آنان در برابر چنین ادعایی، گواهی قطعی بر صدق فتنار اوست که همه این آیات، وحی الهی است. جالب اینکه

ابعداد اعجاز قرآن

قرآن از جنبه‌های مختلفی دارای اعجاز است که برخی از آنها را به اجمال بررسی می‌کنیم:

۲- از نظر معارف الی ۳۱- از نظر هفتی و عددی از اجزای رسید و ۳۲-  
۳- از نظر اعداد اربعه ۵- از نظر جبهه های پدید

قرآن به زبان عربی نازل شده و همبند دیگر مومن عربی از حروف الهیای عربی تشکیل  
گرفته است، اما ساختار عبارات آن به شیواترین و رساترین وجه است. خداوند برای ابلاغ  
پیام خود، شیواترین و زیباترین الفاظ و جذاب‌ترین ترکیب را به کار گرفته است (فصاحت)؛  
به گونه‌ای که بهترین شیوه، معانی خود را به مخاطبان می‌رساند (بلاغت). هنگامی که اعراب  
و ادیبان و عالمان زبان عربی، آیات الهی را از زبان پیامبر ﷺ شنیدند، ناگهان با سخنی نو که  
نه شعر بود و نه نثر روپرو شدند که آهنگی زیاتر از شعر و بیانی رساتر از نثر داشت.

آیات قرآن آن چنان لذت بخش و اعجاب برانگیز است که هر فرد مصطفی را به خود جلب می کرد. کافران ناگزیر چو آنان خود را از شنیدن قرآن برحذر می داشتند و با هنگام تلاوت قرآن هیاهو می کردند تا صدای قرآن به کسی نرسد.<sup>۱</sup>

یکی از ادیان و حکیمان عرب بهنام ولید بن مغیره که از او به «ریحانة العرب»<sup>۲</sup> یاد می‌کنند، پس از شنیدن آیاتی چند از پیامبر اسلام ﷺ درباره آن چنین داری می‌کند:

من از محمد سخنی شنیدم که نه به سخن انسان‌ها شبیه است و نه به سخن حیوان. سخن او شیرینی خاص و زیبایی مخصوصی دارد و ساختار آن پر بار و ریشه آن پر پرکت است؛ سخنی است و الا که هیچ سخنی والا تر از آن نیست و هرگز قابل رقابت نمی‌باشد.<sup>۳</sup>

دیگر ادیبان بزرگ عرب نیز مانند عتیقه بن ربیعہ و طفیل بن عمرو بہ اعجاز ادبی قرآن اعتراف و از مقابلہ با آن اظهار ناتوانی کرده‌اند.

حکمت الهی نیز اقتضای هر پدیده‌ای متناسب با اوضاع و شرایط و هنر عصر  
 او باشد تا جنبه‌ی اعتباری و فنی مشخص یابد.

از آنچه بیان شد به‌خوبی برمی‌آید که قرآن، وحی الهی است و نه سخنان خود پیامبر ﷺ.

#### چهار. اعجاز قرآن از نظر اسرار آفرینش

قرآن در آیات متعددی از اسرار قوانین هستی و طبیعت و اجرام آسمانی پرده برمی‌دارد. کشف این اسرار برای فردی درس ناخوانده جز از طریق وحی الهی امکان‌پذیر نیست، البته قرآن کتابی علمی نیست که در آن قوانین علمی آمده باشد، بلکه اگر برخی از اسرار طبیعت را باری‌گویند، به‌دلیل جنبه‌ای تربیتی، اخلاقی و خداشناسانه است؛ چراکه قرآن کتاب هدایت و تربیت انسان‌هاست. قرآن به‌دلیل شرایط علمی عصر نزول، این اسرار را با احتیاط و اشاره و کنایه مطرح می‌کند، زیرا درک حقایق علمی برای مردم آن عصر، دشوار و پیچیده بود. اما به تدریج با پیشرفت علم و کشف اسرار طبیعت، حقایق علمی قرآن نیز آشکار می‌گردد. **از نظر دیدگاه قرآن هر چه از این قوانین الهی می‌پوشاید، هستی عباد را راز دارد.**

#### حرکت زمین و تفسیر نباتات به‌وسیله بار و جاذبه مغناطیس

در عصر نزول قرآن، نظریه حاکم بر جامعه علمی، نظریه زمین مرکزی بود؛ بدین معنا که زمین ثابت، ولی سیارات دیگر از جمله خورشید به دور زمین در گردش‌اند. اما قرآن به‌شیوه‌ای لطیف و زیبا به حرکت زمین اشاره می‌کند که برخلاف آن نظریه است.

الَّذِي جَعَلَ لَكُمُ الْأَرْضَ مَهْدًا<sup>۱</sup>

همان کسی که زمین را برایتان گهواره‌ای ساخت.

قرآن در توصیف زمین، از لفظ مهد (= گهواره) استفاده کرده که حرکتش چنان ملایم است که کودک درون آن به‌آرامی به خواب می‌رود. حرکت وضعی و انتقالی کره زمین، که برای سکونت انسان آفریده شده، نیز همانند حرکت گهواره نرم و آرام است.

قرآن در آیه‌ای در باره حرکت کوه‌ها می‌فرماید: **وَكُوهٌ مَّاءٌ يَنْفُثُ مِنْهَا نَارًا وَخَبَرًا وَلَمْ يَشْعُرْ بِاللَّيْلِ أَنَّهُ آتِيهَا مِنْ جَانِبٍ** (۲۶)

۱. عه (۱۳۰هـ) ۲ - فصل (۲۷): ۸۸

مردم در مدت چهل سال زندگی پیامبر ﷺ، چنین سخنانی را هرگز از او نشنیده بودند.

بنابراین بیادش قرآن با این مصارف بلند از فردی درس ناخوانده، جنبه دیگری از اعجاز قرآن است.

#### سه. اعجاز قرآن از نظر هماهنگی و عدم اختلاف در سبک و محتوا

قرآن مجموعه آیاتی است که طی ۲۳ سال و در حالات و شرایط گوناگون بر پیامبر اکرم ﷺ نازل شده است، اما این گونه‌گونی حالات هیچ‌گاه در شیوه و سبک بیان و محتوای مطالب قرآن تأثیری نهاده است. بی‌شک این هماهنگی و عدم اختلاف در سبک و محتوا خود دلیل دیگری است بر اعجاز قرآن.

اگر پیامبر ﷺ مطالب قرآن را از جانب خود و بدون ارتباط با وحی مطرح می‌نمود، طبعا اختلاف در سبک و تناقض و ناهماهنگی در محتوا به چشم می‌خورد؛ چراکه:

یک. علوم و مهارت انسان و یا آثار فکری انسانی به مرور زمان کامل‌تر می‌شود و طبعا چنین تکاملی در سخنان فرد آشکار می‌گردد. حال اگر پیامبر ﷺ در طی ۲۳ سال مطالب قرآنی را از پیش خود می‌گفت، بی‌شک اختلاف چشمگیری در سبک بیان او نمودار می‌شد. دو. حالات درونی انسان مانند نشاط و شادی، غم و رنج، هیجان و آرامش، در شیوه سخن گفتن او تأثیر می‌نهد. به بیان دیگر تغییر در سبک سخنان، بازتاب حالات درونی فرد است. بنابراین سخنان فرد عادی نمی‌تواند در تمامی این حالات یکنواخت و هماهنگ باشد، بلکه اختلاف و ناهماهنگی در آنها نمایان است. حال اگر بنده‌ایم قرآن محصول فکر پیامبر ﷺ بوده است، باید اختلاف و ناهماهنگی در محتوای مطالب آن به چشم خورد؛ حال آنکه چنین نیست. قرآن در آیه‌ای به این جنبه از اعجاز خود اشاره نموده است:

أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْفُتُورَ وَأَوَّلَ مَا نَفِثَ اللَّهُ نَفْثًا فُتُورًا<sup>۱</sup>

آیا در [مطالعه] قرآن نمی‌اندیشند؟ اگر از جانب غیر خدا بود قطعا در آن اختلاف بسیاری می‌یافتند.

## مضمون قرآن از تحریف:

بی تردید قرآن برخلاف کتاب‌های آسمانی پیشین، از هرگونه تحریفی در امان مانده است؛ چراکه اگر فزونی و کاهشی در قرآن صورت گرفته باشد، دیگر از نظر سبک و محتوا مجزوه نخواهد بود و دیگران می‌توانند مانند آن را بیابند. بنابراین براساس همان دلالی که مجزوه بودن قرآن در سبک و محتوا را ثابت می‌کند، مصونیت قرآن از تحریف نیز اثبات می‌شود. حکمت الهی نیز اقتضا می‌کند کتابی که باید تا ابد هدایتگر مردم باشد، دست‌نخورده باقی بماند تا رسالت خود را به انجام رساند.

برخی از دلایل تحریف‌ناپذیری قرآن:

۱. تاریخ گواه آن است که مسلمانان به آموزش و حفظ و کتابت قرآن عنایت ویژه‌ای داشتند؛ آن‌سان که تنها در یک جنگ، شمار شهدایی که حافظ قرآن بودند، به هفتاد نفر رسید. حال با توجه به اهتمام بسیار مسلمانان در حفظ قرآن - و حتی تعداد آیات و کلمات و سوره‌های آن - چگونه می‌توان گفت چنین کتابی با این همه قاری و حافظ و علاقه‌مند، تحریف شده باشد؟ اگر تحریفی صورت می‌گرفت، در تاریخ ثبت می‌شد و بی‌شک مسلمانان در برابر آن واکنش تندی نشان می‌دادند و از آن مانع می‌شدند. به تعبیر دیگر، اجماع مسلمانان بر عدم تحریف قرآن، خود دلیلی بر تحریف‌ناپذیری آن است.

۲. خداوند خود در آیهای، حفظ و صیانت قرآن را برعهده گرفته است:

إِنَّا نَحْنُ نَزَّلْنَا الذِّكْرَ وَإِنَّا لَهُ لَنَاطِقُونَ<sup>۱</sup>

بی تردید، ما این قرآن را به تدریج نازل کرده‌ایم، و قطعاً نگهدارنده آن خواهیم بود.

در این آیه که به نشانه‌های تأکید «إِنَّا»، «نَحْنُ»، «لَام تَأْكِيد» و «جمله اسمیه» آمده، خداوند با تأکید بسیار نزول قرآن و نگاهداری آن را به خود نسبت داده است.

در آیهای دیگر آمده است: لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَتْرَكُ مِنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ<sup>۲</sup>  
سَمِيعٌ عَلِيمٌ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ<sup>۳</sup>  
لَا يَأْتِيهِ الْبَاطِلُ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَلَا مِنْ خَلْفِهِ تَتْرَكُ مِنْ حَكِيمٍ خَبِيرٍ<sup>۴</sup>

۲ - نهج البلاغه خطبه ۱۷۱

۱. حجر (۸۵): ۹.  
۲. فصلت (۳۱): ۳۲.

طعن و بدگویی می‌پردازند و می‌گویند: «این مرد مدعی است که من پیامبرم و فرشته وحی بر من نازل می‌گردد» این آیه برای پاسخ دادن به بدگویی آنان نازل شد و بدین ترتیب از پیروزی و گسترش آیین پیامبر ﷺ و کمک‌های خداوند به او و دلی که نصیب دشمنانش خواهد شد، پرده برداشت. هنگامی که این خبر اعلام شد، کسی باور نمی‌کرد روزی فرارسد که شوکت و قدرت قریش شکسته شود و پیامبر ﷺ بر آنها پیروز گردد و مکه را فتح نماید.

خبر بازگشت پیامبر ﷺ به مکه

آن هنگام که پیامبر ﷺ به دستور خداوند مکه را به قصد مدینه ترک کرد، در بین راه با خود می‌اندیشید که آیا دوباره به مکه بازمی‌گردد، در این هنگام آیهای نازل گشت:

إِنَّ الْأَوَّلَىٰ قَرْصًا عَلَيْكَ الْوَرْدُ لَرَأَاكَ إِلَىٰ مَعَادٍ<sup>۱</sup>

در حقیقت، همان کسی که این قرآن را بر تو فرض کرد، یقیناً تو را به سوی وعده‌گاه بازمی‌گرداند.

معاد در لغت به معنای بازگشت‌گاه است، از این نظر به وطن معاد می‌گویند که فرد مسافر هر کجا برود دوباره به همان جا بازمی‌گردد.

قرآن از بازگشت پیامبر ﷺ به مکه - در زمانی که هیچ شاهی بر آن گواهی نمی‌داد - خبر می‌دهد که چند سال پس از نزول این آیه پیامبر ﷺ پیروزمنانه به مکه بازگشت.

مضمون قرآن از تحریف

بی‌گمان کتاب‌های آسمانی پیامبران پیشین نظیر تورات و انجیل تحریف شده‌اند و درواقع این کتاب‌ها به‌صورتی که حضرت موسی و عیسی علیهما السلام از وحی دریافت کرده‌اند، اکنون در دسترس نیست که قرآن و شواهد تاریخی و عقلی، این مسئله را اثبات می‌کنند. حال جای این پرسش است که آیا قرآن بی‌هیچ تحریف و کم و کاستی به همان صورت نخستین است، یا اینکه تغییرات و تحریفی را پذیرفته است؟

۱. قصص (۲۸): ۵۵.

